

حجاب کامل زن، زهد و عصمت ناب است
که آبروی وی از روی باز، بر آب است
به روسری نرسد عفت زنان به کمال
حجاب چادر زهرا علیها السلام حجاب جلباب است
مادح اهل البيت علیهم السلام سازگار (میثم)

الگوی زن اصیل و آزاد

به قلم و بنان

حاج سید محمد تقی حشمت الواعظین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نشر آسیانا

الکوی زن اصیل و آزاد

مؤلف : حاج سید محمد تقی حشمت الواعظین طباطبائی

ناشر : آسیانا - قم

حروف نگار : اخلاص رایانه - قم

نوبت چاپ : نهم (اول ناشر)

لیتوگرافی و چاپ : جزایری / وفا

تلفن : ۷۷۳۱۷۵۲

تاریخ نشر : اسفند ۱۳۸۶ ش

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

تماس با مؤلف : ۰۹۱۲۱۰۳۳۷۸۱

شابک : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۷۷۸ - ۰۹ - ۶

قیمت : ۳۰۰۰ تومان

مقدمه چاپ اول

بسمه جلّت اسمائه

سپاس و حمد بی حد و ثناء بی عدد، شایسته خداوند غفار و ستاری است که تحجب به نقاب عصمت، و تستر در حجاب عفت را نعمتی بزرگ جهت صیانت جامعه انسانیّت و موهبتی برای حفظ نسل و نژاد آدمیت و موجب ازدیاد قدر و منزلت زنان در قلوب و انظار عقلاء زمان، و صاحب نظران دوران، قرار داده است.

و سپس تحیات وافره و جواهر صلوات دائمه، نثار پیشگاه علّت غائی موجودات و هدایه لجميع المخلوقات حضرت محمد بن عبدالله ﷺ.

و نیز بر اولاد اطهرش که اعظم و افخم بشر و ائمه اثنی عشریه و از اوصیاء طاهرین آن سرور که مصابیح مشکوة ولایت، و اقمار آسمان امامتند. (صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین).

وبعد :

از اینکه نمی‌توانم آنچه را می‌اندیشم و می‌بینم، در قالب نوشته‌ها و جمله‌ها و کلمات پیاده کنم، بسیار متأسفم. و فکر می‌کنم خوانندگان با تیزهوشی و درک عمیق خود، روابط کلمات تاریک و نارسای مرا با حقیقت عظیمی که در پس همین کلمات پنهان است کشف کنند.

و به خاطر داشته باشند که سخن ما، در حکم اشاره و کنایه است.

امید می‌رود این کتاب: الگوی زن اصیل و آزاد که حاصل و کوشش و تلاش پی‌گیر حقیر است، خدمتی ارزنده در راه هدایت واقعی زنان و تحرک دقیق اجتماعی آنان باشد.

آمین یا رب العالمین

حاج سید محمد تقی حشمت الواعظین طباطبائی

مقدمه چاپ دوم کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خدای را که کتاب الگوی زنان اصیل و آزاد، پس از سپری شدن یکسال از تاریخ انتشار آن اکنون در آستانه چاپ دوم قرار گرفته است.

البته جای هیچگونه تردید نیست که برای نویسنده و نگارنده تشویقی پربهتر از آغوش گرم طبقات مختلف مردم، بویژه روحانیت عظیم الشان، و استقبال آنان از کتاب او نمی باشد.

چون چاپ دوم کتاب الگوی زن اصیل و آزاد، مصادف با سر و صدای بی حد اصلاحات مفاسد اجتماعی ایران از ناحیه مقامات مسئول در شرائط سخت حکومت نظامی بود. لذا سخن را براساس این مسئله جنجالی به عنوان پیشگفتار کتاب آغاز می نمائیم.

این روزها غارتگران و چپاولگران، گرفتار بحران هستند و همه وحشت زده از هم می پرسند برآستی چه می شود؟ این روزها موج تازه ای از

مبارزه با فساد در جامعه به چشم می‌خورد روزنامه‌ها، حکایت از دستگیری بلندپایگان فاسد، و تعقیب و بازداشت فنودالهای شهری و زد و بندهای قالتاق دارند.

مجلس آرام و خاموش گذشته، ناگهان به صدا درآمد و یکسره فریاد بگیرید بگیرید بلند کرده است که همه اینها مایه امیدواری و خوشنودی هر جامعه‌ای می‌تواند باشد.

اما متأسفانه یا بدبختانه

از آنجا که طی سالها، بارها این نوای آی دزد آی دزد بلند شده و بعد هم بی‌نتیجه فروکش کرده، و از آنجا که همین افراد فاسد و متجاوز که امروز در معرض شدیدترین حملات قرار گرفته‌اند بارها از چنگ و بال قانون فرار کرده و به ریش قانون خندیده‌اند.

مردم دیگر باور نمی‌کنند

این صحنه آنقدر تکرار شده که اگر چند نفر از این متجاوزین به حقوق مردم را اگر گردن بزنند باز هم چشمهای خود را می‌مالند و می‌گویند خواب نمی‌بینم؟... سه سال قبل.

مگر نه اینکه سه سال قبل چند نفر از همین قماش آدمها را گرفتند و با شورت جلو استخر به مصاحبه نشانند و متفقاً غلط کردم گفتند اما دوباره جواز آزادی برای ادامه غارت گرفتند و برگشتند و به ریش قانون خندیدند^(۱)

خواننده محترم

همین بگیر و ببندهای نمایشی بود که مردم را به خواب غفلت واداشت
همین بگیر و ببندهای نمایشی بود که ایمان مردم را به باد داد به ویژه
معتقدات و ایمان نسل روشنفکر این مملکت را تمامی و یکجا به یغما برد
بر اساس همین بگیر و ببندهای نمایشی و عوام‌فریبی‌های مزدوران بود که
حجاب اسلامی زنان دریده شد و بی‌عفتی رواج گرفت - من معتقدم که بدتر
از این، گناهی نیست خواهید گفت چرا.

در جواب باید بگویم اموال غارت شده را می‌توان از غارتگر پس گرفت
ولی ایمان و عفاف به غارت رفته را نمی‌توان دوباره بارور نمود زیرا ملت
بی‌ایمان و زنان بی‌عفاف، عقیمند.

هدف نگارنده از تألیف این کتاب، آشنائی عمیق خواهران و دختران
دینی نسبت به وظائف خطیر مذهبی، در حفظ حریم عفاف و ایمان است.
به امید آن روز، که قاطبه زنان این مملکت، پاسدار حریم عفت گردند و
درس پوشش و عفاف را به فرزندان خویش داده و خدمتی شایان توجه، به
دین و جامعه انسانها بنمایند.

والسلام علی من اتبع الهدی.

ششم ذیقعدة الحرام ۹۸ هجری قمری

برابر با ۱۷ مهرماه پنجاه و هفت شمسی

الداعی: حاج سید محمد تقی حشمت الواعظین قمی

مقدمه چاپ سوم

قال الله في القرآن الحكيم:

«الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ، وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»^(۱)

رسالتهای قادر متعال با استقامت و پایمردی زنان و مردانی محقق می شود که هیچ خوفی غیر از الله به دل راه نمی دهند، و خداوند بهترین حسابرسان می باشد.

خواهران و برادران دینی

در این برهه از زمان که در آستانه جمهوری اسلامی هستیم، بیائید با وحدت کامل این نهال جوان و این پرندۀ نوخیز و پر آواز جمهوری اسلامی

را از آفت‌ها حفظ و حراست کرده و رسالت‌های آسمانی را با کمال جدیت به جهانیان ابلاغ نمائیم.

مجددین آئین پاک اسلام راستین

به یمن بنیان‌گذاری جمهوری اسلامی^(۱) در کشور کهن ایران و منهدم شدن اساس پوسیده و پوشالی حکومت طاغوتی، لازم دانستم شروع کتاب را با ذکر نام افتخارآمیز زنده کنندگان مکتب شیعه علوی در طول قرون آغاز نموده تا علاوه بر آگاهی تمامی اقشار و طبقات مختلف این سرزمین نسبت به شخصیت آنان، حقیر هم از انفاس قدسیه این قهرمانان توحیدی الهام بگیرم و در نگارش این بحث تحقیقی و اصولی حجاب، که یکی از ضروریات قطعی اسلام است، به توفیقات ربانی متمسک و تا انجام آن مؤید بوده باشم آمین یا رب العالمین.

مجددین از لسان خاتم رسول ﷺ

در یک حدیث نبوی آمده که رسول الله ﷺ فرموده: فان قوله ﷺ «ان الله سيعيث لهذه الأمة على رأس كل مائة سنة من يجدد لها دينها»^(۲) یعنی خداوند مبعوث می‌گرداند در رأس هر صد سالی یک رجل شایسته‌ای را که مجدّد

۱- واژه و لغت جمهوری از کلمه جمهور گرفته شده که در اصل به معنای توده انبوی از ریگ است ولی به طور رایج به معنی افراد یا یک دسته و گروه است مثلاً وقتی می‌گویند جمهور علماء شیعه در این امر متفق القولند، منظور تمام یا اکثریت قریب به اتفاق علماء را مقصود است.

۲- جامع الاصول من احادیث الرسول تألیف أبي السعادات مبارک بن محمد ابن الاثير الجزری جلد ۱۲ ص ۲۱۹ و نیز کتاب الزام الناصب فی اثبات حجة الغائب و همچنین در کتاب پیر ارج و جیزه شیخ بهائی (ره).

دین و مذهب باشد و آئین پاک آسمانی را یاری دهد.
در کتاب تیمورنامه هم از جناب میر سید شریف که در عهد امیر تیمور
می زیسته^(۱) مکتوبی را نقل نموده مبنی بر این که اتفاق علماء خلیف و رجال
برجسته علمی شیعه بر این است که در هر صد سالی بعد از حضرت ختمی
مرتبت علیه السلام خداوند قهار جهت امت مستضعف اسلام و تابعین قرآن
مجددی بر می انگیزد و مبعوث می گرداند تا مبانی اسلام را تیر و بخشد و
ضروریات آئین پاک آسمانی، از جمله پوشش و حجاب زن را از دستبرد
هوسبازان و بی بند و باران زمانه مصون سازد.^(۲)

اینک نام تمامی مبعوث شدگان را درج می نمائیم بدان امید که ثبت
اسامی پویندگان و شیفتگان حق برای خوانندگان عزیز، سبب تحریک و
بینش عمیق مذهبی باشد و در نتیجه غرب زدگی را کنار زده و راه مستقیم
الله را هدف قاطع خود قرار دهند، بعون الله تعالی.

نخست، در رأس صد ساله اول بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که همزمان با

۱ - منتخب التواریخ رکن الإسلام والمسلمین مرحوم حاج محمد هاشم خراسانی باب اول
ص ۵۶.

۲ - البته پوشیده و مخفی نماند که در حدود یک هزار سال است که این فکر مجدّدین، سابقه دارد و
تاریخ گواهی می دهد که در طول این سنوات اندیشه مجددین مذهب به مغزهای مسلمانان
خطور کرده است و اولین مرتبه هم در میان اهل سنت شایع شده و سپس در میان خاصه رواج
یافته، هر چند حدیث مذکور نبوی از دیدگاه علمای شیعه امامیه محل تأمل است ولی شیوع این
حدیث نمایانگر این معنی است که هر مسلمانی در طول قرون و در رأس هر قرن به انتظار
مصلحی بوده، چنانچه مرحوم شهید مطهری نیز در کتاب نهضت صد ساله بدین معنی تکیه
کرده است.

دوران امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود^(۱).

رأس صد ساله دوم: حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در زمان حکومت مأمون عباسی^(۲).

رأس صد ساله سوم: أبو جعفر یعقوب کلینی در عصر حکومت المقتدر بالله عباسی.

در عصر حکومت المقتدر بالله عباسی قوم پر نفوذ قرامطه به ریاست و رهبری ابو طاهر، شهر مکه و بعضی از بلاد اسلامی را تحت سلطه خود آوردند و در ایام حج تمتع، تعداد سی هزار نفر حاجی مُحَرَّم را قتل عام نمودند و حجر الأسود را از جای برکنندند و سپس به تخریب بلاد اسلامی پرداخته و اوضاع را متشنج ساختند. در چنین شرائطی، اسلام در پشت پرده جهل مردم قرار گرفت و رو به ضعف و سستی گذاشت ولی ناگهان برق الهی جرقه زد و تراوشات مغزی رهبری عظیم و روشنفکر چون مرحوم کلینی (ره) بروز کرد و قیام نمود و این قوم منحط و خشی را منهدم ساخت و به اسلام رونقی بخشید در نتیجه ضعف محیط اسلام به قوت گرائید.^(۳)

رأس صد ساله چهارم: سید مرتضی علم الهدی و شیخ طوسی در حکومت القادر بالله عباسی

رأس صد ساله پنجم: ابن ادریس و غزالی مستبصر در حکومت المستظهر

۱- در عصر عمر بن عبد العزیز لعن و طعن خوارج، نسبت به مقام ولایت مطلقه به طور سیاسی قطع شد و اسلام در پرتو مکتب بنیادی باقر العلوم علیه السلام رشد بسرا نمود.

۲- در زمان مأمون عباسی بر اساس شیوة متین امام هشتم علیه السلام ۷۲ مذهب رائج کشور، باطل و منسوخ گردید و اسلام چهره واقعی خود را نشان داد.

۳- گنجینه احمد سیاح.

ب‌الله عباسی

رأس صد ساله ششم: خواجه نصیر الدین طوسی و علامه حلی در عصر حکومت هلاکو خان مغول

رأس صد ساله هفتم: شهید اول^(۱) و فخر المحققین، در زمان حکومت خدا بنده لو

رأس صد ساله هشتم: ابن ابی الجهور^(۲) و محقق دوانی در عصر حکومت آل مظفر و تیموریان.

رأس صد ساله نهم: شهید ثانی^(۳) و مقدس اردبیل، معاصر ازبکان و پشاه اسماعیل صفوی

رأس صد ساله دهم: امین استرآبادی و ملا صدرا شیرازی و شیخ بهاء الدین عاملی در عهد شاه عباس صفوی^(۴)

۱- شهید اول نامش شمس الدین محمد بن مکی عاملی است که به جرم مبارزه علیه استبداد به زندان افتاد و پس از یک سال حبس و شکنجه به دستور قاضی القضاة شام در سن ۵۲ سالگی سر بریدند، و بدنش را به دار آویختند و سپس سوزاندند، این فخرمان توحید به قدری در علوم ادبی و فقه شیعه سلطه داشت که بدون در دست داشتن مدرکی کتاب لمعه را از حفظ نوشت (منتخب).

۲- صاحب کتاب غوالی الثالی والمجلی.

۳- شهید ثانی نامش زین الدین بن علی عاملی، در جیل عامل به جرم مبارزه علیه طاغوت و رهبری شیعه، تحت تعقیب اهل سنت و جماعت قرار گرفت و سرانجام در مسجد الحرام یعنی محل امن پروردگار دستگیر شد و پس از چهل شبانه روز توقف در زندان، به قسطنطنیه بردند و در کنار دریا سر از بدنش جدا کردند و بدن او را به درّه افکندند. وی دارای آثار ارزنده علمی است که از جمله شرح لمعه را می توان نام برد.

۴- شاه عباس الصفوی الموسوی ابن سلطان محمد بن شاه طهماسب بن شاه اسماعیل می باشد او

رأس صد ساله یازدهم: میردامالی (در زمان شاه عباس صفوی

رأس صد ساله دوازدهم: وحید بهبهانی و بحر العلوم در عهد صفویه و
زندیه.

رأس صد ساله سیزدهم: میرزا حسن شیرازی^(۱) تخزیم کننده تنباکو و کوبنده
اقتصاد انگلستان در عهد ناصر الدین شاه

رأس صد ساله یکهزار و چهارصد: محی الدین والمذهب الامامیه روح الله
الموسوی خمینی در زمان حکومت ننگین رضاخان و محمد رضا پالانی
(پهلوی)

آیه الله خمینی مد ظله العالی در سال ۱۳۸۴ هـ به جرم دفاع از حریم
دین و تشیع به امر شاه پلید تبعید شد ولی هدف قاطع معظم له و نهضت
ملت قهرمان ایران خاموش نشد و به طور مداوم در مسیر وسعت و گسترش
قرار می گرفت زیرا همانطوری که اعلامیه های آتشین آیه الله خمینی از
خارج کشور بر پیکر استبداد ضربه مهلک وارد می ساخت از داخل کشور هم
آیات عظام حوزه علمیه قم آقایان مرعشی نجفی، گلپایگانی، و... سایر
رجال علمی ایران از نقاط مختلف جنبش را رهبری می فرمودند و روحیه
دولت دیکتاتور را می کوبیدند و زمینه سقوط را فراهم می ساختند.

« کسی است که شهر ازبکیه را که عبدالله خان ازبک و پسرش عبدالمؤمن خان ازبک و اتباعش به
تصرف درآورده بودند همگی را از بین برد و با رهبری آگاهانه مرحوم میرداماد و مرحوم شیخ
بهائی و امین استرآبادی و ملاصدرا شیرازی اسلام را نصرت دادند و چهره حقیقی اسلام را
نمایاندند.

۱- برای درک مقام این مجدد شیعه به کتاب پراچ هدیه الوازی الی مجدد الشیرازی تألیف علامه
تهرانی صاحب الذریعه مراجعه فرمائید.

تا بالآخره در سال ۱۳۹۹ هـ یوسف پنهان به کنعان برگشت و با اراده آهنین و نیروی لایزال الهی و وحدت کلمه در تمامی اقشار حکومت طاغوت را سرنگون ساختند و الحق می‌توان گفت که زعماء حوزه علمیه قم هر کدام مجدد دین و مذهب می‌باشند.

جانشینان دلباخته معصومین

زننده کننده عدل و داد، ویران کننده کاخ ظلم و بیداد، سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام در یک بیان شورانگیز و قاطع از مجددین مذهب تلویحاً خبر می‌دهد و از جانشینان شیفته و دلباخته خود یاد می‌کند و امت مستضعف اسلام را نوید می‌بخشد، آنجا که می‌فرماید:

«فان فينا اهل البيت في كل خلف عدولا ينفون عن هذا الدين تحريف الغالين وانتحال المبطلين وتأويل الجاهلين»^(۱).

یعنی در خاندان ما اهل بیت، در هر عصری از اغصار، رجال صادق و خلف صالح و شخصیت‌های عادل برانگیخته می‌شوند تا منحرفین از مرز دین و غلو کنندگان در اصول و فروع اسلام، و عناصر انعطاف‌پذیر و فرصت‌طلب و کوتاه فکری که دین را با تراوشات پوشالی مغز خود تفسیر و تأویل می‌کنند از صفحه روزگار و زمین بردارند و محیط امن و صفا و وحدت کامل در تمامی اقشار ایجاد نمایند.

سپاس خدائی را که در عصر ما این معنی و بیان مقدس حسینی تحقق

۱- مجمع البحرین، واژه خلف و نیز در کتاب معالم و کافی شریف جلد ۱ ص ۳۹ این حدیث آمده متها با این تفاوت که لفظ دین به کار نرفته و فقط لفظ ینفون عنه آمده است.

مجددین مذهب از دیدگاه

علامه متعهد و قیودول حضرت آیت الله العظمی

آقای فانی اصفهانی دامت برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين مدد الكافرين، مدرك الهاريين، نكال الظالمين، صريخ المستصرخين الذي من على المستضعفين بايرائهم الارض وجعلهم ملوكا، والصلاة والسلام على حامل لواء النصر، سيد الكفرة، قاصم الجبرة، خير الوارثين للانبياء والمرسلين سيد البررة محمد ﷺ صاحب الدعوة الإلهية والرسالة السماوية وعلى علي بن عمه صاحب ذي الفقارة الكرار غير الفرار الضارب بسيفين، والد السبطين، وعلي ولده الطاهرين ولا سيما نار الله الأكبر، مظلوم الخافقين واللعن على أعدائهم الظالمين الغاصبين المستكبرين، أما بعد جناب مستطاب خطيب بارع آقای حاج سيد محمد تقی بحسنت الواعظين دام توفيقه العالي مؤلفند هر چند گاه اثر از زنده ای به جامعه تشیع تقدیم می دارند امید است همواره این توفیقات را ادامه دهند. و اما مشأله مجددة در صنده های تاریخ اسلام و نجات مستضعفين از جنگال ستم بيدادگران و بت های افعی صفت و درخیمان آشوبگر، و نیز

حفظ احکام اسلام از اندر اس که زبانزد است، مسأله‌ای است که تاریخ شاهد گویای آن است و احتیاج به روایت ندارد، که مورد اشکال سندی یا مدلولی شود، و ما خود با چشمان آلوده از اشک حسرت و حرمان بلکه یأس.

بعد از ریخته شدن خونهای ارزشمند، به دشت طاغوتیان، از جوانان عشاق آزادی و سوختگان آتش استعمار و پیش قدمان نجات دربند کشیده شدگان، جمال تابناک نبیره نبوی ﷺ و سرپرست مبادی انسانیت آیه الله العظمی امام خمینی زاد الله فی عمره الشریف را، از پس ابرهای سیاه طغیان در آخرین صده ۱۴ چهارده و آغاز صده پانزده هجری دیدیم و دیدگاه انتظارکش ما به این رهبر انقلاب تاریخی روشن شد، و در این صده بساط کفر و طغیان و ظلم و عصیان را به ندای معظم له، جوانان ما برچیدند، والحمد لله رب العالمین، و در صدهای پیش هم ستارگان اسلام و مجاهدین عالی مقام و مجددین احکام، همانند مرحوم آیه الله العظمی شیرازی قدس سره را که با چند کلمه تحریم تنباکو، که توان روحانیت را آئینه‌ای شفاف بود، قیام کرد و استعمار را کوبید، و اسلام و مسلمین را از یوغ استعمار، به بهانه امتیاز تنباکو، نجات بخشید. فراوان داشته‌ایم. ولی این شکوفائی لاله‌های احکام قرآن در بوستان قوانین متقنه قانون اساسی حکومت اسلامی ما، نباید موجب سستی اعصاب و به سردی گرائیدن جوش انقلابی ما بشود. چون رکود فکری و سست عنصری و عدم مسئولیت خوابی است که یغماگران را به سیطره طاغوتی خود چیره می‌کند بلکه به شکر نعمت فیروزی لازم است هر آنی از آنات عمر را هر فردی از افراد مسلمانان صرف در پاسداری انقلاب اسلامی و حفظ احکام قرآنی و کوشش

در این کتاب که در این باب است، ما سعی کرده‌ایم تا با استفاده از منابع معتبره و تحقیقات عمیق، به تبیین حقایق و معانی این موضوع بپردازیم. امید است که این اثر بتواند به نیازهای علمی و دینی جامعه پاسخ دهد.

مقدمه چاپ چهارم

این کتاب در چهارمین چاپ خود، با توجه به تغییرات و اصلاحات لازم، تجدید نظر شده است. امید است که این نسخه بتواند به نیازهای روز جامعه پاسخ دهد.

حجاب

مقدس‌ترین و سخیله استحکام حصار عفاف است

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش آفریدگاری را سزد که انوار ارواح را قبل از خلقت اجساد به عرصه ظهور درآورده و در عهد البست بر ضنق ربوبیت خویش با افراد بشر عهد و میثاق را، استوار فرموده است. و در نزد نامحدود بر نور الانواری که از پرتو نور او سائر انوار را جلوه فروغ و فروز داد، و بر اهل بیت طیب و طاهر و او که منابع علوم و معادن فضل و بینشند، و بعد لایخفی که جهان اسلام در عصر حاضر دستخوش انقلاب و تحوّل و طوفان و حوادث سهمگین است دشمنان قسم خورده اسلام هر لحظه توسط عمال سرسپرده و معتوه خود در نقاط گوناگون جهان توطئه می‌کنند و تدارک وسیع می‌بینند.

اقسام دشمنان

از یکسو مکاتب مادی با انکار مبدء و معاد، معنویت و اخلاق را به نابودی می‌کشانند و از سوی دیگر مظلّم غیر انسانی صهیونیسم بین الملل و امپریالیسم جهانی و شبکه‌های عظیم و مخوف زیرزمینی آن که زالووار خون مردم مستضعف و منابع ثروت جهان اسلام را مکیده و می‌مکند در جریان است مبشران مسیحیت هم که پیشقراولان نفوذ استعمار غربی بوده و هستند، با ایجاد پایگاه‌های تبلیغاتی با زبانهای مختلف و لهجه‌های گوناگون افکار مسموم مکتب خویش را در جهان منتشر ساخته و می‌سازند^(۱).

از جمله افکار تخریبی و توطئه‌های غربی و استیغمارتی که توسط خائنین به ویژه مسیحیت خودخواه در طول تاریخ به میان کشورهای اسلامی پیاده و اجراء گردیده مسئله عدم پوشش و تبرج بانوان^(۲) است که آنان را به صورت عروسکهای متحرک درآورده و به زندگی نامتناسب شهوانی پای بند ساخته و زنان نیز ندانسته و ناآگاه از شغل اصلی و وجدانی خود یعنی مادری دست کشیده و کورکورانه دنبال ندای پر حرارت و تجمل و مدپرستی افتاده و دست به کارهای مردانه زده‌اند. در حقیقت تساوی حقوق را با تساوی فیزیولوژیک اشتباه کرده و میل دارند با فراموش کردن وظائف خود

۱- اصول مسیحیت کنونی مجموعه‌ای از خرافات یونان باستان و ته مانده تثلیث و از افسانه‌های مصر و بابل و هند الهام گرفته است.

۲- تبرج عبارت است از آشکار کردن زیباییهای بدن اعم از وجوه، گیسوان، سینه، گوش و گوشواره و غیره و جلب عابرین ذکور که قرآن بالحن شدید در سوره مبارکه احزاب آیه ۳۳ نهی فرموده است. (منهج)

مسئولیت مردان را بپذیرند، غافل از آنکه پوشیدن لباس مردان با قبول مسئولیت آنان برای زن کسب شخصیت نمی‌کند بلکه شخصیت بارز زنانه‌اش را نیز دگرگون می‌سازد. و به قول دکتر بنت الشاطی از بانوان دانشمند و نویسنده مسلمان معاصر است: در مقاله‌ای تحت عنوان جنس شومی که در شرف تکوین است می‌گوید جنس ثالثی که پیدا شده نه مرد می‌شوند و نه زن می‌مانند، نه به درد زنانگی می‌خورند و نه به درد مردانگی که بسیاری از زنان جهان امروز سرنوشتشان همین است.

البته مخفی و پوشیده نماند که این اندیشه فاسد و خانمانسوز، زمانی توسط آتاتورک^(۱) در ترکیه و زمانی توسط رضا خان قلندر^(۲) در ایران و زمانی به وسیله عبدالکریم قاسم سقله^(۳) در عراق جامعه عمل به خود پوشیده.

که متأسفانه این خط انحرافی و غلط به نهج معمول طاغوتی، در گوشه و

۱- آتاتورک در شهر سالونیک ترکیه در سال ۱۸۸۱ م بدنیا آمده و مدت ریاست جمهوری او در

کشور ترکیه ۱۵ سال بوده و سرانجام در سنه ۱۹۳۸ در سن ۵۷ سالگی از دنیا رفته است.

۲- فرمان مسخره کشف حجاب توسط رضاخان به تاریخ عصر چهارشنبه پانزده شوال ۱۳۵۴ هـ

برابر ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ هـ صادر گردید.

۳- عبدالکریم قاسم در زمان زعامت حضرت آیه الله العظمی حکیم (ره) قانون احوال شخصیه را که مخالف صریح قرآن مبنی بر تساوی ارث دختر و پسر و ارث بردن زن از تمام اشیاء و دادن حق طلاق به زن بود، به مرحله اجرا درآورد که با اعلام خطر مرحوم حکیم (ره) مواجه شد و طولی نکشید که در شارع رشید بغداد مورد سوء قصد قرار گرفت ولی جان سالم به در برد و حکومت ننگین خود را یکسال و نیم دیگر ادامه داد: سرانجام انقلاب خونین عراق به سرپرستی عبدالسلام عارف پدید آمد و به ریاست جمهوری چهارساله او خاتمه دادند و بلاد رنگ در یک محکمه نظامی محکوم به مرگ گردید.

کنار شهرهای عزیز کشور ایران به ویژه عاصمه مین (تهران) نیز هم اکنون به چشم می خورد. ^۱ و من تصور می کنم که اگر روزی پرده جهل آنان کنار رود و حقیقت منکشف گردد، شرمندگی کامل، وجود اینگونه زنان هوسران را فرا خواهد گرفت زیرا انگیزه اسلام و حمایت از دین در وجود آنان به طور فطری وجود دارد. ^۲

هشدار

در اینجا جهت اتمام حجت بر حسب وظیفه خطیر شرعی و هشدار به خواهران معتقد ولی بی توجه به امور، خبر مستندی را عرضه می دارم. بدان امید که مبارزه سرسختانه دشمن را با ایده و مبانی اسلامی دریابند و در نتیجه سر در جیب تفکر فرو برده و قدری باعمال خویش بیندیشند.

کنفرانس در ایتالیا

در کنفرانس جهانی کلیساها در ایتالیا که به ریاست پاپ با شرکت ۲۴۲۷ شخصیت ممتاز و سران روحانی مسیحیت تشکیل یافته بود و تنها ۷۵ کاردینال (مقام مبادون پاپ) در آن شرکت داشتند در نطق افتتاحیه کنفرانس صریحاً اعلام کردند:

باید در مقابل افکار و عقاید اسلام مقاومت نمود و در مقام تستیز با آنان قرار گرفت.

ما نمی توانیم مسلمانان را مسیحی کنیم ولی اگر بتوانیم آنان را در پای بندی به مسایل اخلاق اسلامی و عفاف خانوادگی متزلزل سازیم کافی است. ^(۱)

روزنه امید

خوشبختانه نظام الهی جمهوری اسلامی در ایران با تمام قدرت در برابر این طرح ضد عفاف و ضد انسانی ایستاده و با سرسختی کامل به مبارزه با آن برخاسته و پرچم حمایت از اسلام عزیز را بر دوش می‌کشد و با تمام وجود و امکانات، حراست از حریم قرآن و سنت رسول الله ﷺ را به عهده گرفته است.

با آنکه ذهن گجی‌های پی‌در پی زنان لاقید در معابر پایتخت، هر روز به نحوی مجسم و مطرح می‌گردد، اما سیستم سیاست معقول حکومت اسلامی با الهام از شیوه متین رهبری به شکل مطلوب، مسئله پوشش زنان را پی می‌گیرد و ستر و ستر^{۱)} را همچنان حمایت کرده و نقشه‌های دشمن زبون را خشنی می‌سازند.

سخنی با این گروه ناآگاه

زنان غرب زده بدانند که دنیای استکبار با تجهیزات کامل در مقام کوبیدن ضروریات و اضمحلال اسلام است و مع الأسف این ضربات کوبنده دشمن، از طریق زنان بی‌قید به طور عملی بر پیکر اسلام وارد شده و می‌شود.

یکی دیگر از کاردینال‌های انگلیسی (ارگ پیشاب) گفت خطر اسلام و کمونیسم یکسان است.

با توجه به این اسناد زنده روشن و مبرهن است که دنیای استکبار با

۱- ستر به کسر سین به معنی پرده عفاف و ستر به فتح سین به معنی پوشاندن است (فرهنگ عمید)

تمامی مکتبها و مسلکهای گوناگون به رهبری مسیحیت بی خبر و خودخواه، صف واحدی تشکیل داده‌اند و با جدیت هر چه تمامتر در راه نابودی اسلام و حکومت‌های اسلامی تلاش مستمر دارند، و با آوردن زنان بی‌پروا در معابر عمومی ضربات پی در پی خود را بر پیکر جامعه اسلامی وارد می‌سازند.

ولی در مقابل این قدرتهای تخریبی خوشبختانه نظام الهی در ایران تبلور خط مذهبی خود را حفظ کرده و با الهام از کتاب و سنت و رهبری امام امت مکتب غرور آفرین اسلام را حمایت و با تمام قوا حراست می‌نماید و پوشش اسلامی را به طور سراسری زیر نظر قرار داده.

مؤلف به لحاظ همین هدف مقدس بود که سالیانی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی کتابی را به نام الگوی زن اصیل و آزاد طبع و منتشر نمود که در آن، مسئله پوشش زنان مسلمان را به طور مستدل مورد بحث قرار داد و اینک به درخواست گروه کثیری از دوستان عزیز و تقاضای خوانندگان آن کتاب بالأخص مؤسس عالیقدر انتشارات دارالشرق قم با چاپ سوم آن که در آغاز حکومت اسلامی طبع و نشر گردیده ضمیمه و اقدام به طبع مجدد آن گردید.

امیدوارم که این اقدام گامی در پیشبرد اهداف اسلامی و فرهنگ شیعه

محسوب گردد

آمین یا رب العالمین

القطمیر سید محمد تقی حشمت الواعظین

فی تاریخ: ج ۲ / ۱۴۰۳ هـ ق

مقدمه چاپ پنجم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواحد الأحد، الفرد الصمد، الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفواً أحد.

خدایا

خدایا تو آن کردگار بزرگی که یکتائی و هرگز نیست همتا
تو آنی که با دست قدرت گرفتی گل از خاک و لعل از دل سنگ خارا
تو آنی که در سبزی و گل نهفتی شمیم معطر، نسیم فرح را
تو آنی که در جسم خاکی دمیدی ز روی مشیت، روان مِصفا
همی در نسایشگاه آفرینش رود پرده‌ها از تو هر لحظه بالا^(۱)
والصلاة والسلام على سيد الأئمة والعبد المذنب، نبينا وحبیبنا
محمد ﷺ وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين.

سيما بقية الله في أرضه وحجته على خلقه الإمام الثاني عشر، المهدي
المنتظر عجل الله تعالى ظهوره الشريف ولعنة الله على أعدائهم اجمعين إلى

قیام یوم الدین.

اما بعد: با عزمی راسخ و جسم و جانی طاهر، و نام خدا بر زبان و یاد و لیش (عج) در دل، به میقات وظیفه شتافته و لبیک گویان احرام کوی دوست بسته و در حدّ توان به دفاع از حریم او بها خاسته و از مستنکرین حکم مقدس حجاب بیزاری جسته و اعلام می‌داریم که آنچه در این کتاب از نظر خوانندگان و پژوهشگران می‌گذرد مطالبی است در پیرامون محور عفت یعنی حجاب که به کرات طبع و در دسترس علاقمندان به ضروریات اسلام و مذهب قرار گرفته است.

اکنون نیز بنابر توصیه دوستان و علاقمندان به عفاف بالاخص تأکید فراوان نخبه الاطیاب وزیده الانجاب خیر الحاج جناب آقای غلامحسین افتخاری جهت شادی روح والدۀ مکرمه‌اش^(۱) مبنی بر قبول نفقه طبع کتاب اقدام به چاپ و نشر مجدد آن نموده تا در حدّ توان خویش بتوانیم ایادی اجیر و عمال کثیف‌تر از هر انگل را کوتاه و از به قهقرا کشاندن زنان جامعۀ جلوگیری نمائیم بعون الله تعالی.

حجاب، یا مرز بین کفر و ایمان

حجاب معمول کنونی متأسفانه به جهت حرکت می‌کند که تدریجاً به صورت یک برنامه پذیرفته شده درآمده که در واقع تنها استهزاء به حجاب تلقی می‌شود.

که ما باید قاطعانه برای جلوگیری از روند سریع این بیماری و عصیان

۱- مرحومه کبری افتخاری در سالروز ولادت صدیقۀ کبری^(عج) شنبه ۱۴۱۱ هجری دعوت حق را لبیک

فرمود و پس از تشییع یا شکوه در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم الحسنی با بودن انبوه فراوان از

اقارب و دوستان به خاک سپرده شد.

اجتماعی تلاش نمائیم و نگذاریم که غیرت اسلامی و انقلابی جوانان کشور
تدریجاً به زیر چکمه سیرجائی‌ها^(۱) تحت عنوان فرم لباس مردان زنان له
شود.

امام عزیز و رهبر فقیدمان قدس الله سره الشریف در وصیتنامه سیاسی
الهی خود می‌فرماید:

«... اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده، رئیس
جمهور و رؤسای جمهور ما بعد و شورای نگهبان و شورای قضائی و دولت
در هر زمان، آنست که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و
مجله‌ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند.»^(۲)

و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و
دختران و پسران می‌شود از نظر اسلام و عقل محکوم است، و تبلیغات و
مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و
مصالح کشور حرام است.

مؤلف گوید: (۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱) (۱۲) (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸) (۱۹) (۲۰) (۲۱) (۲۲) (۲۳) (۲۴) (۲۵) (۲۶) (۲۷) (۲۸) (۲۹) (۳۰) (۳۱) (۳۲) (۳۳) (۳۴) (۳۵) (۳۶) (۳۷) (۳۸) (۳۹) (۴۰) (۴۱) (۴۲) (۴۳) (۴۴) (۴۵) (۴۶) (۴۷) (۴۸) (۴۹) (۵۰) (۵۱) (۵۲) (۵۳) (۵۴) (۵۵) (۵۶) (۵۷) (۵۸) (۵۹) (۶۰) (۶۱) (۶۲) (۶۳) (۶۴) (۶۵) (۶۶) (۶۷) (۶۸) (۶۹) (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳) (۷۴) (۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸) (۷۹) (۸۰) (۸۱) (۸۲) (۸۳) (۸۴) (۸۵) (۸۶) (۸۷) (۸۸) (۸۹) (۹۰) (۹۱) (۹۲) (۹۳) (۹۴) (۹۵) (۹۶) (۹۷) (۹۸) (۹۹) (۱۰۰) (۱۰۱) (۱۰۲) (۱۰۳) (۱۰۴) (۱۰۵) (۱۰۶) (۱۰۷) (۱۰۸) (۱۰۹) (۱۱۰) (۱۱۱) (۱۱۲) (۱۱۳) (۱۱۴) (۱۱۵) (۱۱۶) (۱۱۷) (۱۱۸) (۱۱۹) (۱۲۰) (۱۲۱) (۱۲۲) (۱۲۳) (۱۲۴) (۱۲۵) (۱۲۶) (۱۲۷) (۱۲۸) (۱۲۹) (۱۳۰) (۱۳۱) (۱۳۲) (۱۳۳) (۱۳۴) (۱۳۵) (۱۳۶) (۱۳۷) (۱۳۸) (۱۳۹) (۱۴۰) (۱۴۱) (۱۴۲) (۱۴۳) (۱۴۴) (۱۴۵) (۱۴۶) (۱۴۷) (۱۴۸) (۱۴۹) (۱۵۰) (۱۵۱) (۱۵۲) (۱۵۳) (۱۵۴) (۱۵۵) (۱۵۶) (۱۵۷) (۱۵۸) (۱۵۹) (۱۶۰) (۱۶۱) (۱۶۲) (۱۶۳) (۱۶۴) (۱۶۵) (۱۶۶) (۱۶۷) (۱۶۸) (۱۶۹) (۱۷۰) (۱۷۱) (۱۷۲) (۱۷۳) (۱۷۴) (۱۷۵) (۱۷۶) (۱۷۷) (۱۷۸) (۱۷۹) (۱۸۰) (۱۸۱) (۱۸۲) (۱۸۳) (۱۸۴) (۱۸۵) (۱۸۶) (۱۸۷) (۱۸۸) (۱۸۹) (۱۹۰) (۱۹۱) (۱۹۲) (۱۹۳) (۱۹۴) (۱۹۵) (۱۹۶) (۱۹۷) (۱۹۸) (۱۹۹) (۲۰۰) (۲۰۱) (۲۰۲) (۲۰۳) (۲۰۴) (۲۰۵) (۲۰۶) (۲۰۷) (۲۰۸) (۲۰۹) (۲۱۰) (۲۱۱) (۲۱۲) (۲۱۳) (۲۱۴) (۲۱۵) (۲۱۶) (۲۱۷) (۲۱۸) (۲۱۹) (۲۲۰) (۲۲۱) (۲۲۲) (۲۲۳) (۲۲۴) (۲۲۵) (۲۲۶) (۲۲۷) (۲۲۸) (۲۲۹) (۲۳۰) (۲۳۱) (۲۳۲) (۲۳۳) (۲۳۴) (۲۳۵) (۲۳۶) (۲۳۷) (۲۳۸) (۲۳۹) (۲۴۰) (۲۴۱) (۲۴۲) (۲۴۳) (۲۴۴) (۲۴۵) (۲۴۶) (۲۴۷) (۲۴۸) (۲۴۹) (۲۵۰) (۲۵۱) (۲۵۲) (۲۵۳) (۲۵۴) (۲۵۵) (۲۵۶) (۲۵۷) (۲۵۸) (۲۵۹) (۲۶۰) (۲۶۱) (۲۶۲) (۲۶۳) (۲۶۴) (۲۶۵) (۲۶۶) (۲۶۷) (۲۶۸) (۲۶۹) (۲۷۰) (۲۷۱) (۲۷۲) (۲۷۳) (۲۷۴) (۲۷۵) (۲۷۶) (۲۷۷) (۲۷۸) (۲۷۹) (۲۸۰) (۲۸۱) (۲۸۲) (۲۸۳) (۲۸۴) (۲۸۵) (۲۸۶) (۲۸۷) (۲۸۸) (۲۸۹) (۲۹۰) (۲۹۱) (۲۹۲) (۲۹۳) (۲۹۴) (۲۹۵) (۲۹۶) (۲۹۷) (۲۹۸) (۲۹۹) (۳۰۰) (۳۰۱) (۳۰۲) (۳۰۳) (۳۰۴) (۳۰۵) (۳۰۶) (۳۰۷) (۳۰۸) (۳۰۹) (۳۱۰) (۳۱۱) (۳۱۲) (۳۱۳) (۳۱۴) (۳۱۵) (۳۱۶) (۳۱۷) (۳۱۸) (۳۱۹) (۳۲۰) (۳۲۱) (۳۲۲) (۳۲۳) (۳۲۴) (۳۲۵) (۳۲۶) (۳۲۷) (۳۲۸) (۳۲۹) (۳۳۰) (۳۳۱) (۳۳۲) (۳۳۳) (۳۳۴) (۳۳۵) (۳۳۶) (۳۳۷) (۳۳۸) (۳۳۹) (۳۴۰) (۳۴۱) (۳۴۲) (۳۴۳) (۳۴۴) (۳۴۵) (۳۴۶) (۳۴۷) (۳۴۸) (۳۴۹) (۳۵۰) (۳۵۱) (۳۵۲) (۳۵۳) (۳۵۴) (۳۵۵) (۳۵۶) (۳۵۷) (۳۵۸) (۳۵۹) (۳۶۰) (۳۶۱) (۳۶۲) (۳۶۳) (۳۶۴) (۳۶۵) (۳۶۶) (۳۶۷) (۳۶۸) (۳۶۹) (۳۷۰) (۳۷۱) (۳۷۲) (۳۷۳) (۳۷۴) (۳۷۵) (۳۷۶) (۳۷۷) (۳۷۸) (۳۷۹) (۳۸۰) (۳۸۱) (۳۸۲) (۳۸۳) (۳۸۴) (۳۸۵) (۳۸۶) (۳۸۷) (۳۸۸) (۳۸۹) (۳۹۰) (۳۹۱) (۳۹۲) (۳۹۳) (۳۹۴) (۳۹۵) (۳۹۶) (۳۹۷) (۳۹۸) (۳۹۹) (۴۰۰) (۴۰۱) (۴۰۲) (۴۰۳) (۴۰۴) (۴۰۵) (۴۰۶) (۴۰۷) (۴۰۸) (۴۰۹) (۴۱۰) (۴۱۱) (۴۱۲) (۴۱۳) (۴۱۴) (۴۱۵) (۴۱۶) (۴۱۷) (۴۱۸) (۴۱۹) (۴۲۰) (۴۲۱) (۴۲۲) (۴۲۳) (۴۲۴) (۴۲۵) (۴۲۶) (۴۲۷) (۴۲۸) (۴۲۹) (۴۳۰) (۴۳۱) (۴۳۲) (۴۳۳) (۴۳۴) (۴۳۵) (۴۳۶) (۴۳۷) (۴۳۸) (۴۳۹) (۴۴۰) (۴۴۱) (۴۴۲) (۴۴۳) (۴۴۴) (۴۴۵) (۴۴۶) (۴۴۷) (۴۴۸) (۴۴۹) (۴۵۰) (۴۵۱) (۴۵۲) (۴۵۳) (۴۵۴) (۴۵۵) (۴۵۶) (۴۵۷) (۴۵۸) (۴۵۹) (۴۶۰) (۴۶۱) (۴۶۲) (۴۶۳) (۴۶۴) (۴۶۵) (۴۶۶) (۴۶۷) (۴۶۸) (۴۶۹) (۴۷۰) (۴۷۱) (۴۷۲) (۴۷۳) (۴۷۴) (۴۷۵) (۴۷۶) (۴۷۷) (۴۷۸) (۴۷۹) (۴۸۰) (۴۸۱) (۴۸۲) (۴۸۳) (۴۸۴) (۴۸۵) (۴۸۶) (۴۸۷) (۴۸۸) (۴۸۹) (۴۹۰) (۴۹۱) (۴۹۲) (۴۹۳) (۴۹۴) (۴۹۵) (۴۹۶) (۴۹۷) (۴۹۸) (۴۹۹) (۵۰۰) (۵۰۱) (۵۰۲) (۵۰۳) (۵۰۴) (۵۰۵) (۵۰۶) (۵۰۷) (۵۰۸) (۵۰۹) (۵۱۰) (۵۱۱) (۵۱۲) (۵۱۳) (۵۱۴) (۵۱۵) (۵۱۶) (۵۱۷) (۵۱۸) (۵۱۹) (۵۲۰) (۵۲۱) (۵۲۲) (۵۲۳) (۵۲۴) (۵۲۵) (۵۲۶) (۵۲۷) (۵۲۸) (۵۲۹) (۵۳۰) (۵۳۱) (۵۳۲) (۵۳۳) (۵۳۴) (۵۳۵) (۵۳۶) (۵۳۷) (۵۳۸) (۵۳۹) (۵۴۰) (۵۴۱) (۵۴۲) (۵۴۳) (۵۴۴) (۵۴۵) (۵۴۶) (۵۴۷) (۵۴۸) (۵۴۹) (۵۵۰) (۵۵۱) (۵۵۲) (۵۵۳) (۵۵۴) (۵۵۵) (۵۵۶) (۵۵۷) (۵۵۸) (۵۵۹) (۵۶۰) (۵۶۱) (۵۶۲) (۵۶۳) (۵۶۴) (۵۶۵) (۵۶۶) (۵۶۷) (۵۶۸) (۵۶۹) (۵۷۰) (۵۷۱) (۵۷۲) (۵۷۳) (۵۷۴) (۵۷۵) (۵۷۶) (۵۷۷) (۵۷۸) (۵۷۹) (۵۸۰) (۵۸۱) (۵۸۲) (۵۸۳) (۵۸۴) (۵۸۵) (۵۸۶) (۵۸۷) (۵۸۸) (۵۸۹) (۵۹۰) (۵۹۱) (۵۹۲) (۵۹۳) (۵۹۴) (۵۹۵) (۵۹۶) (۵۹۷) (۵۹۸) (۵۹۹) (۶۰۰) (۶۰۱) (۶۰۲) (۶۰۳) (۶۰۴) (۶۰۵) (۶۰۶) (۶۰۷) (۶۰۸) (۶۰۹) (۶۱۰) (۶۱۱) (۶۱۲) (۶۱۳) (۶۱۴) (۶۱۵) (۶۱۶) (۶۱۷) (۶۱۸) (۶۱۹) (۶۲۰) (۶۲۱) (۶۲۲) (۶۲۳) (۶۲۴) (۶۲۵) (۶۲۶) (۶۲۷) (۶۲۸) (۶۲۹) (۶۳۰) (۶۳۱) (۶۳۲) (۶۳۳) (۶۳۴) (۶۳۵) (۶۳۶) (۶۳۷) (۶۳۸) (۶۳۹) (۶۴۰) (۶۴۱) (۶۴۲) (۶۴۳) (۶۴۴) (۶۴۵) (۶۴۶) (۶۴۷) (۶۴۸) (۶۴۹) (۶۵۰) (۶۵۱) (۶۵۲) (۶۵۳) (۶۵۴) (۶۵۵) (۶۵۶) (۶۵۷) (۶۵۸) (۶۵۹) (۶۶۰) (۶۶۱) (۶۶۲) (۶۶۳) (۶۶۴) (۶۶۵) (۶۶۶) (۶۶۷) (۶۶۸) (۶۶۹) (۶۷۰) (۶۷۱) (۶۷۲) (۶۷۳) (۶۷۴) (۶۷۵) (۶۷۶) (۶۷۷) (۶۷۸) (۶۷۹) (۶۸۰) (۶۸۱) (۶۸۲) (۶۸۳) (۶۸۴) (۶۸۵) (۶۸۶) (۶۸۷) (۶۸۸) (۶۸۹) (۶۹۰) (۶۹۱) (۶۹۲) (۶۹۳) (۶۹۴) (۶۹۵) (۶۹۶) (۶۹۷) (۶۹۸) (۶۹۹) (۷۰۰) (۷۰۱) (۷۰۲) (۷۰۳) (۷۰۴) (۷۰۵) (۷۰۶) (۷۰۷) (۷۰۸) (۷۰۹) (۷۱۰) (۷۱۱) (۷۱۲) (۷۱۳) (۷۱۴) (۷۱۵) (۷۱۶) (۷۱۷) (۷۱۸) (۷۱۹) (۷۲۰) (۷۲۱) (۷۲۲) (۷۲۳) (۷۲۴) (۷۲۵) (۷۲۶) (۷۲۷) (۷۲۸) (۷۲۹) (۷۳۰) (۷۳۱) (۷۳۲) (۷۳۳) (۷۳۴) (۷۳۵) (۷۳۶) (۷۳۷) (۷۳۸) (۷۳۹) (۷۴۰) (۷۴۱) (۷۴۲) (۷۴۳) (۷۴۴) (۷۴۵) (۷۴۶) (۷۴۷) (۷۴۸) (۷۴۹) (۷۵۰) (۷۵۱) (۷۵۲) (۷۵۳) (۷۵۴) (۷۵۵) (۷۵۶) (۷۵۷) (۷۵۸) (۷۵۹) (۷۶۰) (۷۶۱) (۷۶۲) (۷۶۳) (۷۶۴) (۷۶۵) (۷۶۶) (۷۶۷) (۷۶۸) (۷۶۹) (۷۷۰) (۷۷۱) (۷۷۲) (۷۷۳) (۷۷۴) (۷۷۵) (۷۷۶) (۷۷۷) (۷۷۸) (۷۷۹) (۷۸۰) (۷۸۱) (۷۸۲) (۷۸۳) (۷۸۴) (۷۸۵) (۷۸۶) (۷۸۷) (۷۸۸) (۷۸۹) (۷۹۰) (۷۹۱) (۷۹۲) (۷۹۳) (۷۹۴) (۷۹۵) (۷۹۶) (۷۹۷) (۷۹۸) (۷۹۹) (۸۰۰) (۸۰۱) (۸۰۲) (۸۰۳) (۸۰۴) (۸۰۵) (۸۰۶) (۸۰۷) (۸۰۸) (۸۰۹) (۸۱۰) (۸۱۱) (۸۱۲) (۸۱۳) (۸۱۴) (۸۱۵) (۸۱۶) (۸۱۷) (۸۱۸) (۸۱۹) (۸۲۰) (۸۲۱) (۸۲۲) (۸۲۳) (۸۲۴) (۸۲۵) (۸۲۶) (۸۲۷) (۸۲۸) (۸۲۹) (۸۳۰) (۸۳۱) (۸۳۲) (۸۳۳) (۸۳۴) (۸۳۵) (۸۳۶) (۸۳۷) (۸۳۸) (۸۳۹) (۸۴۰) (۸۴۱) (۸۴۲) (۸۴۳) (۸۴۴) (۸۴۵) (۸۴۶) (۸۴۷) (۸۴۸) (۸۴۹) (۸۵۰) (۸۵۱) (۸۵۲) (۸۵۳) (۸۵۴) (۸۵۵) (۸۵۶) (۸۵۷) (۸۵۸) (۸۵۹) (۸۶۰) (۸۶۱) (۸۶۲) (۸۶۳) (۸۶۴) (۸۶۵) (۸۶۶) (۸۶۷) (۸۶۸) (۸۶۹) (۸۷۰) (۸۷۱) (۸۷۲) (۸۷۳) (۸۷۴) (۸۷۵) (۸۷۶) (۸۷۷) (۸۷۸) (۸۷۹) (۸۸۰) (۸۸۱) (۸۸۲) (۸۸۳) (۸۸۴) (۸۸۵) (۸۸۶) (۸۸۷) (۸۸۸) (۸۸۹) (۸۹۰) (۸۹۱) (۸۹۲) (۸۹۳) (۸۹۴) (۸۹۵) (۸۹۶) (۸۹۷) (۸۹۸) (۸۹۹) (۹۰۰) (۹۰۱) (۹۰۲) (۹۰۳) (۹۰۴) (۹۰۵) (۹۰۶) (۹۰۷) (۹۰۸) (۹۰۹) (۹۱۰) (۹۱۱) (۹۱۲) (۹۱۳) (۹۱۴) (۹۱۵) (۹۱۶) (۹۱۷) (۹۱۸) (۹۱۹) (۹۲۰) (۹۲۱) (۹۲۲) (۹۲۳) (۹۲۴) (۹۲۵) (۹۲۶) (۹۲۷) (۹۲۸) (۹۲۹) (۹۳۰) (۹۳۱) (۹۳۲) (۹۳۳) (۹۳۴) (۹۳۵) (۹۳۶) (۹۳۷) (۹۳۸) (۹۳۹) (۹۴۰) (۹۴۱) (۹۴۲) (۹۴۳) (۹۴۴) (۹۴۵) (۹۴۶) (۹۴۷) (۹۴۸) (۹۴۹) (۹۵۰) (۹۵۱) (۹۵۲) (۹۵۳) (۹۵۴) (۹۵۵) (۹۵۶) (۹۵۷) (۹۵۸) (۹۵۹) (۹۶۰) (۹۶۱) (۹۶۲) (۹۶۳) (۹۶۴) (۹۶۵) (۹۶۶) (۹۶۷) (۹۶۸) (۹۶۹) (۹۷۰) (۹۷۱) (۹۷۲) (۹۷۳) (۹۷۴) (۹۷۵) (۹۷۶) (۹۷۷) (۹۷۸) (۹۷۹) (۹۸۰) (۹۸۱) (۹۸۲) (۹۸۳) (۹۸۴) (۹۸۵) (۹۸۶) (۹۸۷) (۹۸۸) (۹۸۹) (۹۹۰) (۹۹۱) (۹۹۲) (۹۹۳) (۹۹۴) (۹۹۵) (۹۹۶) (۹۹۷) (۹۹۸) (۹۹۹) (۱۰۰۰)

۱- مجله پایدار اسلام شماره ۹۷ ص ۹-۱۰
۲- آری به عنوان نمونه انحراف مطبوعات را می‌توان در قالب یک مصداق بارز به روزنامه
جمهوری اسلامی پنجشنبه ۶۸/۲/۷ مطابق با بیستم رمضان ۱۴۹۹ هـ ق به شماره ۲۸۷۵ تحت
عنوان «اشتباهات امیرالمؤمنین» مراجعه فرمایید.

کوخ نشینان را با تمام کاخ نشینان عوض نمی‌کنم همین است که هتل‌های متعلق به بنیاد مستضعفان جولانگه عناصر بی درد و دنباله‌رو فرهنگ مبتذل آمریکایی باشد؟

آیا پسندیده است که متولیان امکانه غیر مشروع نام مستضعف را یدک بکشند، و زیر ماسک مستضعف مستکبر را به‌رورانند؟

مگر هدف وسیله را می‌تواند توجیه کند که بگویند به خاطر درآمد بیشتر به چنین وضعی درآمده است، و مگر می‌توان در نظام الهی ایران شریک جرم در مظاهر مبتذل و فرهنگ غربی گردید؟

راستی مسئولان بنیاد چگونه به خود اجازه می‌دهند که سالن هتل‌ها را مبدل به سالن مد لباس‌های خارجی، و آداب و رسوم و فرهنگ غربی نمایند مگر نمی‌دانند اینجا سرزمین ایران کهن اسلامی است، اینجا سرزمین دلیران حزب الله است اینجا فقیه ولایت دارد، در اینجا تشیع با نثار خون پاک خود سرمایه‌گذاری کرده است.

بطور قطع زبیده این سرزمین نمی‌باشد که هتلهایش بازار مد پاریس و لندن گشته و بی مهابا، فرهنگ مصرفی و فاسد آمریکایی را مطرح و ترویج نمایند.

ادعای مؤلف مبنی بر فرهنگ فاسد آمریکایی آماری است که ذیلاً می‌خوانید:

مجله گاردین انگلیس نوشت که گزارش پلیس آمریکا نشان می‌دهد که جنایت جنسی و تجاوز به عنف در آمریکا هر سال نسبت به سال قبل افزایش می‌یابد. و طبق گزارشات مکرر تنها در واشنگتن هر پانزده دقیقه یک تجاوز به عنف صورت می‌گیرد.

در سال ۱۹۶۱ مقامات امنیتی و پلیس تصمیم گرفتند که زنان هرزه را از میان جامعه جمع آوری کنند اما موفق نشدند زیرا تعدادشان از یکصد هزار نفر فراتر نشان می داد.

در پایتخت این کشور پهناور تنها در سال ۱۹۷۰ میلادی ۲۰۹۵ مورد بی عفتی و تجاوز به زنان و دختران ثبت گردیده است.

این آماري که ذکر شد مشتقي از خروار است که جهت پی بردن به آثار و نتایج شوم بی حجابی و برهنگی تقدیم گردید. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

نکته:

خواننده عزیز بنابر نقل مکتب اسلام سال دهم برای اولین بار فساد فرهنگ غربی در نیم قرن قبل به وسیله فیلسوف اشبنگلر اعلام گردید اما باید بگویم که بدون تردید او هرگز تصور نمی کرد که غرب روزی تا این حد به پستی گراید بطوری که بوی تعفنش سراسر کره زمین را پر کند.

اینان تصور می کنند که حزب الله از ابتدال پنهانی آنان بی خبرند ولی غافلند و نمی دانند که روزی قرا خواهد رسید فرزندان انقلاب و امام «ره» با رشادت بی نظیر استخوان استکبارشان را بر فرقشان خواند کوبید و به این رسوائی ها و بی عفتی ها پایان خواهند بخشید.

اعتراف

این ندای زن روز^(۱) است که می گوید انگشت حسرت به دندان ندامت

می‌گزیم که چرا پس از طی این دوران طلایی و تحصیل پیروزی‌های عظیم سیاسی و نظامی در جنگ تحمیلی، در بعد اخلاقی و فرهنگی، رجعتی نامبارک داشته‌ایم.

و اگر از همان روزهای اول انقلاب با درایتی افزون به طرح برنامه‌های فرهنگی و زمان‌بندی در اجرای مراحل آن می‌نشستیم، اینک با خبر منی برچیده از خوشه‌های پربار رشد و تقوای از جای برمی‌خاستیم.

خواهران و برادران

حجاب یک مسئله پیچیده و مکتوم نیست و همه عقلا نسبت به رمز حجاب در اسلام واقفند، و معتقدند که برهنگی زنان و پی‌آمدهای ناشی از آن، جوانان را در یک تحریک دائمی قرار داده و اعصاب آنان را کوبیده و بر اثر هیجان‌های مستمر عصبی، دچار امراض روانی می‌گردند.

ما نمی‌گوئیم تنها عامل انحطاط جامعه بی‌حجابی است ولی قاطعانه می‌گوییم که برهنگی و بی‌حجابی از جمله عوامل مؤثر فحشاء در جامعه بشری به حساب می‌آید و لذا به حکم عقل و مصلحت باید مسائل انحرافی از جامعه برچیده شود و زنان به محیط سالم خانواده روی آورده و حجاب را به عنوان یک اصل بپذیرند. ما معتقدیم که حجاب تنها یک تکلیف شرعی نیست بلکه عدم رعایت آن یک روزنه نفوذ استعماری است.

چه زیبا می‌گوید مرحوم شهید مطهری «ره» که:

اگر بی‌حجابی تمدن است؟ پس حیوانات از همه متمدن‌ترند
ما می‌گوییم که اندلس را نباید فراموش کرد که چگونه از راه اشاعه فحشاء از سوی دشمنان اسلام فتح شد.

آن قلعه‌ای که هیچ نیروی نظامی نمی‌توانست به آن راه پیدا کند و در حراست دلیر مردان اسلام قرار داشت چگونه دشمن نابکار با نیرنگ از طریق مبارزه فرهنگی و رخنه کردن در شئون اجتماعی مسلمانان، مردان قهرمان اسلام را به عیاشی سرگرم و آنها را از هویت اسلامی تهی ساخت.

آیا این تجربه تلخ نباید ما را بیدار کند؟

هان ای زنان بی پروا کجا می‌روید؟ بایستیدا و لحظه‌ای گوش فرا دهید

چرا به زیر پا گذاری بی مهابا؟

تو آن مهتاب رؤیا آفرینی که روح افزا کند دشت و دمن را
تو آن شمع شبستان وجودی که بخشد روشنایی انجمن را
تو با این جایگاه بس رفیعت شگفتا، خوارگیری خویشتن را
بپای خود زنی، زنجیر تقلید ز مد بر گردن اندازی رسن را
گزینی بر عفاف و فضل و تقوی خصال زشت و عادات زمن را
به زیر پا گذاری بی مهابا همه اخلاق و آداب و سنن را
به حسن روی، مغروری و از کف دهی خوی خوش و خلق حسن را
همی دست هوسرانان دراز است تو هی کوتاه سازی پیرهن را
تو ای زن جهد کن پائین نیاری مقام شامخ والای زن را
وگرنه چون عروسک‌های بی قدر شوی بازیچه اهل مکر و فن را^(۱)
پس بیایید و با دلی لبریز از ایمان و شهامت، جهت مبارزه با این فساد اجتماعی قیام نمایید.

قیامی مردانه و مدبرانه

البته مبارزه و قیام ما یک ستیز جدی فکری و عملی می باشد که از تعالیم پاک رهبران آسمانی الهام گرفته شده است. هشدار به شما ای مادران نسل آینده کشور، مگر نمی دانید خصلتهای نیک و بد هر مادری با شیر در بدن فرزند وارد شده و با روح خارج می گردد. کودک از مادر از جدا گردد اثر شیر او نگردد دور شمع در ظاهر ار شود خاموش لیک پنهان در اوست پرتو نور به شما ای پایه های بنای اخلاق آتی!

به شما ای مجریان عملی شرف و عدالت فردا! مگر نمی دانید که زندگی جز آرمان و به دنبالش جز تلاش نیست. و مگر نمی دانید که وضع رقت آور بی حجابان و بد حجابان و آمار ننگین فجایع آنان و تبلیغات وسیع و زهر آگین دشمنان گوهر عفت

مسئولیت ما را سنگین تر ساخته

که با هیچ عذر و بهانه ای نمی توان از زیر بار آن شانه خانی نمود. و شاهد سقوط جامعه بوده باشیم، زیرا این بی تفاوتی ها به منزله اعلام جنگ با خدا می باشد.

فرجام زشت

همیشه آسان ترین و هموارترین راه نفوذ در یک جامعه پولادین و استوار، نشر فرهنگ ابتذال و استفاده از شهوت و عیاشی و سرگرمی های

اجتماعی است چنانچه ملاحظه می‌فرمایید که چگونه دست استعمار گاهی از طریق فیلم و بازی با شطرنج بی‌مخوز طبقه مرفه بی‌درد را^(۱) سرگرم نموده و احساس عدم مسئولیت را در برابر کشور و ملت و حتی در برابر خانواده و ناموس خویش زنده می‌سازند و گاهی هم از طریق بی‌حجابی و یا بدحجابی، زنان و نوامیس کشور را در رهگذر سزاشیبی سقوط می‌کشاند و هویت مکتبی آنان را نابود می‌سازند.

امام راحل‌مان «ره» در پیام ۶۸ / ۱ / ۲ خطاب به مردم فرمودند:

من باز می‌گویم، همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که شرق و غرب تا شما را از هویت اسلامیتان به خیال خام خودشان بیرون نبرند نخواهند نشست، این همان وظیفه خطیری است که باید مجدّانه کوشید و تعهد به خون شهیدان گلگون کفن این مرز کهن اسلامی را از یاد نبرده و آرمان فقهاء عظام شیعه را تعقیب نمائیم تا بمانند برقی درخشیدن گیرد و راه تاریکی که نسل حاضر در پیش دارد روشن ساخته و خرمن آرزوهای غرب بیمار را بسوزانیم و در نتیجه دشمنان دیرینه عفت نوامیس این مرز و بوم را برای همیشه مایوس سازیم ان شاء الله.

توصیه مؤلف

به حکم بیان وحی الهی آنجا که می‌فرماید:

«أَنْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^(۲)

۱- مرحوم شهید مطهری می‌فرمودند ارزش ارزش‌ها داشتن درد است.

۲- سوره ۱۶ آیه ۱۲۰.

توصیه به آن دسته از دختران و پسران که در آستانه تشکیل زندگی قرار گرفته و می‌گیرند بر خود لازم می‌دانم که بگویم، تصوّر نکنند که قوانین غربی می‌تواند به محیط خانواده رونق بخشیده و اساس آن را محکم نماید بلکه باید بدانند و معتقد باشند که تنها و تنها این حریم آئین آسمانی است که با مقررات متین و محکم خود زندگی مشترک را صفا داده و قلوب را مطمئن می‌سازد.

بر دانه‌های دام به حسرت مکن نظر

از عفت و شرف همه جا گفتگو مکن هر دامنی که لایق این افتخار نیست
با دامن ملوث آلوده خو مکن آلوده را به نزد کسی اعتبار نیست
مفروش عفت و شرف را به سیم و زر پایان این معامله جز انتحار نیست
بر دانه‌های دام به حسرت مکن نظر این دانه جز برای فریب و شکار نیست
پرهیز کن که هر که در اینجا اسیر شد او را امتیذ چاره و راه فرار نیست^(۱)

حادثه تلخ

براساس همین عقائد واهی بود که حادثه تلخ ۱۷ دیماه ظهور نمود و رویدادی غم‌انگیز به وقوع پیوست. این فرمان مسخره از ناحیه رضاخان قلدر در روز ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ شمسی با بوق و کرنا تحت عنوان آزادی زن صادر و به پاره کردن پرده عفاف بانوان مظلوم شیعی ایران انجامید.
البته مخفی نماند که این آزادی زن به بهای از دست دادن شخصیت و مقام و احترام او تمام شد و نباید فراموش نمود که این حرکت سیاسی

بدون آن که به بنیادهای جامعه دست بخورد زن ایرانی را در قیافه زن غربی در آوردند و تمدن غلط غرب را به او تحمیل کردند و چنان ضربه مهلکی بر پیکر آئین مقدس نبوی ﷺ وارد ساختند که دیگر تا ظهور حضرت مهدی روحی فداه قابل ترمیم نیست.

فلعنة الله على من هتك حرمة الإسلام وعلى من أعانه على ذلك ولعنة الله على الذين سمعوا بذلك فرضوا به وسيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون؛

تأسف ما بر این اساس است:

که چرا جامعه به طور سفیهانه دامن خود را از میوه‌های گندیده و کرم خورده‌ای که زیر درختان همسایه ریخته پر می‌کنند.

آیا با شرف انسانی قابل تطبیق است که زنان با داشتن الگویی مانند دخت پیامبر ﷺ صدیقه طاهره زهرا سلام الله علیها، غرب را به عنوان الگوی خود انتخاب نمایند؟

گاندی می‌گوید: هوسها و نیازهای انسان نامحدود است و وسایل و برآوردن و سیراب کردن این هوسها و نیازها محدود. پس اگر هوسها را دامن بزنیم و حد و قیدی بر آنها قائل نشویم، دیگران و نسل آینده را از برآوردن نیازهای اساسی، محروم کرده‌ایم.

غرب زدگی

انسان‌های خود باخته و غرب زده به جای آن که زندگی کنند ادای زندگی را در می‌آورند زیرا منطق را از دست داده و فکر و هوش را به کار نمی‌گیرند.

در سابق می‌گفتند انتخاب همسر مانند پیراهن نیست که انسان هر وقت بخواهد بپوشد و هر وقت نخواست از تن بیرون آورد بلکه انتخاب همسر را به معنی شریک زندگانی در طول عمر می‌دانستند. ولی امروز مشاهده می‌کنیم که حتی آسانتر از بیرون ساختن یک پیراهن از هم جدا می‌شوند و طلاق می‌گیرند. بنابراین، یک سؤال مطرح است که این وضع نابسامان، معلول چیست؟

در پاسخ می‌گوییم که به عقیده ما معلول اشتباهات و تفسیرهای غلط غربی، و هوسهای زودگذر و نتایج شوم و مرگبار آن و بی بند و باری در امر حجاب و پیوندهای بی‌اساس خانوادگی است. ما معتقدیم که زیربنای تشکیل یک زندگی مشترک بین زن و مرد، اخلاق و عفت و حجاب بانوان است البته حجابیکه مبنای فقهی و جواهری داشته باشد و نه حجابی که به نام اسلام ولی ضد ارزشها و قطب مخالف شرع و شریعت بوده باشد.

در این کتاب حجابی مطرح است که وجه و کفین با ادله قرآنی و روایات مأثوره از معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) زیر پوشش قرار می‌گیرد. در این کتاب دیدگاه جوانان هوسباز و چشم چرانی‌های نوجوانان هرزه بررسی و در خاتمه به مسئله غض بصر و ستر وجه از دیدگاه متقدمین و متأخرین از مراجع معظم تقلید پرداخته و تحقیقاً عناوین مذکور مطرح و پاسخ داده شده است.

وجه و کفین یک مسئله اختلافی است^(۱)

امام امت «ره»، در برابر این سؤال که آیا حدود حجابی که خانم‌ها به هنگام نماز خواندن رعایت می‌کنند باید همان حدودی باشد که در مقابل

۱- هر جا کلمه وجه و کفین مطرح می‌گردد منظور صورت و دو دست تا مچ می‌باشد.

نامحرم رعایت می‌کنند؟

در جواب می‌فرماید^(۱) اگر حجاب و ساتر به نحوی باشد که بدن دینده شود کافی نیست. بعضی از فقهاء شیعه معتقدند که باز گذاشتن قرص صورت بدون زینت مانعی ندارد^(۲) ولی در مقابل عده‌ای از فحول علماء امامیه^(۳) بر این باور هستند که با توجه به وضع فاسد محیط زنان بی‌پروا، باید دست‌ها و صورت خود را نیز از نامحرم بیپوشانند ولی خانم‌های مسنّه «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ»^(۴) می‌توانند قرص صورت خود را بدون آرایش و دست‌ها را تا آرنج بدون زینت باز نگه دارند.

مرحوم آیت الله حکیم^(۵) می‌فرماید: چنانچه زنی از نظر حجاب بی‌پروا باشد و نهی از منکر هم در وی اثر نکند و عدم تلذذ برای بیننده هم محقق باشد نظر به صورت چنین زنی دارای جواز می‌باشد، ولی مرحوم آیت الله حاج سید عبدالله شیرازی با صراحت این نظر را رد کرده و می‌فرماید هرگز چنین جوازی مطرح نیست زیرا اولاً: تنها در زمان عسر و حرج است که جواز آفرین می‌باشد ثانیاً عسر و حرج هم تنها در مورد سر و مو و دست است و نه صورت زن اجنبیه.^(۶)

مؤلف گوید: ما گر بخواهیم حجاب واقعی را از نظر شائع مقدس درک و

۱- استفتاءات، ص ۱۴۶.

۲- آیت الله العظمی اراکی.

۳- آیت الله العظمی مرعشی نجفی «ره».

۴- سوره نور، آیه ۵۹.

۵- منهاج الصالحین، چاپ نهم، کتاب النکاح، مسئله ۳.

۶- الرسالة الرجیة فی حکم النظر إلى النساء الاجنبیة، ص ۷۰.

حدود آن را بفهمیم باید آیه ۵۹ از سوره مبارکه احزاب را مورد بررسی قرار دهیم. آنجا که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجَكُمْ وَبَنَاتَكِ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جِلْبَابِهِنَّ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرِضْنَ﴾

ترجمه: ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مؤمنین بگو، از روپوشهایشان به خودشان نزدیک و بر خویش فرو افکنند، این کار برای آنست که از کنیزان و آلودگان شناخته شوند.

صاحب کتاب تفسیر آیه جلباب^(۱) آیه مذکور را از جهات ثلاث مورد بررسی قرار داده است و در نتیجه وجوب پوشش وجه و کفین را به اثبات می‌رساند.

جهت اول: قطع نظر از کلمات مفسرین ظهور آیه کریمه دال بر وجوب ستر وجه است.

جهت دوم: اقوال لغویین از لسان العرب که قدیمی‌تر و معتبرتر از قاموس است تا کشف و نه‌ایه تماماً در معنای جلباب و تعیین مراد، گوناگون است ولی نقطه نظرها و معانی آنان یک واقعیت را منجزاً به ما می‌گوید و می‌فهماند که به طور قطع جلباب جامه ایست وسیع که از جهت بزرگی و وسعت قابل آن است که مجموع سر و چهره و سینه زن را بپوشاند.

جهت سوم: در حین نزول آیه جلباب کیفیت این جامه در آن زمان چگونه بوده است و زنان به چه نحوی خود را می‌پوشانیده‌اند.

در زمینه جهت سوم ۲ احتمال وجود دارد:

۱- زنان به هنگام خروج از خانه از جلباب استفاده نمی‌کردند و تماماً چادرهایشان را در صندوق‌های خود نگهداری می‌نمودند که قرآن فرمان داد که چادرها را به هنگام خروج از خانه استفاده کنید و بخود نزدیک نمائید.

۲- احتمال دوم آن است که جلباب به طور رسمی مورد استفاده بوده است اما نه به طور شایسته و مطلوب و قرآن فرمان خود را صادر کرد که از جلباب بایستی به صورت شایسته و مطلوب استفاده شود و هو الحق. اما احتمال اول احتمالی است پس بعید و بر فرض این که آن را بعید ندانیم باز اقتضای آیه مبارکه را در مورد پوشانیدن وجه مانع نمی‌شود زیرا در آیه شریفه در هر صورت استتار و پوشانیدن منظور است و مطلوب پوشانیدن و استتار هم تنها به عنوان سر و گردن و یا پاره‌ای از مواضع دیگر نیست بلکه بدن و اندام و چهره را هم شامل می‌شود زیرا روی سخن با زنان است بنابراین، صورت مخاطب را نمی‌توان ندیده گرفت و زن باید کاری کند عرفاً صدق کند که خود را پوشانیده است.

و دلیل قوت بر احتمال دوم کلمه من است که به عنوان تبعین آمده و معلوم می‌شود که زنها در هنگام نزول آیه از چادر استفاده می‌نمودند منتها آیه شریفه تأکید خود را بر حجاب مطلوب قرار داده است حجاب مطلوب را هم باید از ظهور آیه فهمید.

بعضی خواسته‌اند بگویند که از آیه این چنین استفاده می‌شود که زن مسلمان باید آنچنان در میان مردم رفت و آمد کند که علائم عفاف و وقار و

سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد و با این حقیقت شناخته شوند (ان یعرفن) ولی باید بگویم که رعایت عفاف و وقار و سنگینی زن مقامی است که هم با زنان محجوبه سازگار است و هم با زنان مکشفه و اگر تنها نظر شارع این بود که زن باید پاکی و سنگینی و وقار خود را رعایت کند طوری ذکر می شد که اختصاص به طائفه دون طائفه دیگر پیدا نکند چه زیبا می فرماید مؤلف تفسیر جلاباب آنجا که می فرماید: به نظر من انکار ارتباط آیه جلاباب به مسئله حجاب نظیر انکار محسوسات است، زیرا وقتی عرفاً می گویند فلان زن خودش را پوشانده و مستور کرده است، این پوشش بدون صورت زن تحقق پیدا نمی کند و ظهور آیه در حجاب مطلوب، هم استتار و پوشانیدن به عنوان خود زن می باشد که قهراً صورت زن را هم شامل می شود چون روی سخن با اوست.

از جمله علماء و مفسرینی که در این عقیده با ما همراهند عبارتند از: شیخ طوسی «ره» در کتاب شریف تبیان و طبرسی در مجمع البیان و مرحوم فیض کاشانی «ره» در صافی و مرحوم طریخی «ره» در کتاب مجمع البحرین و مرحوم مولا فتح الله کاشانی در منهج الصادقین و ابوالفتح رازی در روض الجنان و زمخشری در کشاف و بیضاوی در انوار التنزیل و فخر رازی در مفاتیح الغیب معتقدند که یدنین به معنای یغطین بها و جوههن ورؤسهن إذا خرجن لحاجة.

خواننده عزیز

نمی دانم چرا بعضی وقتی معلومات آنها بالا می گیرد و شعله علمتی آنان زبانه می کشد متأسفانه شعاع وجودی آنها به جای نور تبدیل به دود

می‌شود و به جای نورپاشی دود منتشر می‌نماید، که در مرحله نخست هم دودش به چشم خودشان می‌رود و سپس بر پیکر نازنین اسلام ضربه جبران‌ناپذیر وارد می‌سازند.

در مسئله حجاب بعضی از نویسندگان می‌گویند، اجماع علماء بر آن است که پوشیدن وجه و کفین زن لازم نیست.

نمی‌دانم چرا کسی فریاد نمی‌زند که این بیان اتهام و کذب محض است. مگر شیخ طوسی (ره) در جلد اول کتاب خلاف خود ص ۵۲ صراحتمتاً اعلام نمی‌فرماید که تمام بدن زن عورت است و باید در حال نماز هم پوشانده شود.

و نیز مگر در صفحه ۵۶ همان کتاب نمی‌فرماید: کسی که اراده تزویج زنی را ندارد حق نگاه کردن به صورت آن زن را هم ندارد.

علامه حلی (ره) در تذکره خود نظر به صورت زن را حرام می‌داند. شهید اول (ره) در لمعه می‌فرماید: زنها تنها جهت مرافعات، برای آنکه شاهد شناسایی شود می‌توانند صورت خود را گشوده نگه دارند.

ولی شهید ثانی (ره) در شرح او می‌فرماید: آن هم در صورتی که از طریق صدا شناخته نشود می‌تواند صورت خود را بازنگه دارد.

هرگز فقیه حق ندارد که براساس مصلحت فتوا صادر کند بلکه بایستی براساس ادله کتاب و سنت فتوا دهد، که اگر باب فتوای مصلحتی گشوده شود باید فاتحه اسلام را خواند.

کسی که فقیه نیست چگونه به خود اجازه می‌دهد فتوا دهد؟ آیا کسی که

آهنگر است می‌تواند ساعت ساز باشد؟ خواهید دید که اگر با چکش ۷ کیلویی روی عقربه ساعت بکوبد ولو قصد تخریب هم نداشته باشد چه ثمره‌ای جز نابودی می‌تواند در بر داشته باشد. یکی از علائم نیابت عامه در شیعه «حافظاً لدینه» می‌باشد یعنی دین را جنبهٔ مصلحتی ندهد، بلکه حفظ کند.

هشدار مؤلف:

کردارها باید با اسلام تطبیق داده شود، نه اسلام با کردارها منطبق گردد.

سخن‌ها و مباحث بسیار و دفتر همچنان باقی است. کلمات اشک نویسنده جوشان و زبان چشم نگارنده خروشان و صحنه تاریخ در پیش و منتظران در جهاد قلم و شمشیر در گیر.

باشد که دفتر هجران بسته و دفتر وصال به قدوم حضرت مهدی «عج» گشوده و نهضت مقدس اسلامی امام راحل‌مان «ره» به نهضت جهانی حضرتش متصل گردد ان شاء الله.

در خاتمه امید است خواهران پرشور و با ایمان با مطالعه کتاب حکم قطعی الهی را اخذ نموده و در مقام عمل مجذانه عذرها را کنار زده و به فرمان الهی گردن نهند بعون الله تعالی.

حاج سید محمد تقی حشمت الواعظین طباطبائی

سالروز چهاردهمین قرن شهادت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها

مقدمه چاپ ششم

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و حمد شایسته، خداوند غفار و ستاری است که تستر در حجاب و عفت را نعمتی بزرگ جهت صیانت جامعه و موهبتی برای حفظ نسل آدمی و موجب ازدیاد منزلت زنان در قلوب و انظار عقلاء زمان و صاحب نظران دوران قرار داده است.

لا یخفی که در میان نویسندگان مرسوم است که در ابتدای نوشته‌های خود، مطالبی را به عنوان مقدمه و یا پیشگفتار می‌نویسند تا خوانندگان، زمینه ذهنی لازم را برای مطالعه کتاب پیدا کرده و از موضوع و هدف آن آگاهی یابند.

از آنجا که موضوع این کتاب غض بصر و ستر وجه و یا به عبارت دیگر حجاب و پوشش اسلامی بوده و نیز وجه و کفین هم از دیدگاه فقهاء عالیقدر شیعه مورد اختلاف آراء می‌باشد تصمیم گرفتیم برای پنجمین بار کتاب (الگوی زن اصیل و آزاد) را که حاوی بحث گسترده‌ای در این زمینه است به زیور طبع بیاراییم، امید است مورد استفاده جامعه قرار بگیرد.

محور اساسی این کتاب عناوین ذیل را تشکیل می‌دهد

- ۱ - جلیاب و قرن بیستم.
- ۲ - غض بصر و ستر وجه.
- ۳ - ادله قائلین به عدم استتار وجه.
- ۴ - ادله قائلین به لزوم استتار وجه.
- ۵ - فتاوی متقدمین و متأخرین از مراجع تقلید شیعه.

۸

جلیاب و قرن بیستم

قرن بیستم یا دنیای نوآوری، نوآوری و نوسازیها از آلات و ابزار زندگی گرفته تا خوردنیها و پوشیدنیها، همه چیز دستخوش تغییر و تحول شده است، مقررات و قوانین هم هر لحظه شکل خود را تغییر داده و می‌دهند.

حتی اخلاق نیز جای خود را به اخلاق نسبی داده به طوری که نسل جوان تحت عنوان اخلاق مدرن، دارای عادات مضره و در حال تحریک دائمی جنسی هستند و در این میان فیلم‌های مهیج هم هیزم‌هایی هستند که بر آتش غرائز آنان می‌افزایند.

اینان متأسفانه با آلوده شدن به گناه تجدد مآبی دین را فراموش کرده و اسلام را مسئول ناکامی جنسی خود می‌دانند.

شعرا جمال ظاهری زن را ستوده و خصائص معنوی او را متذکر نمی‌شوند بالاخص دختران و زنان نیز از این کاروان و قافله عقب نمانده و بی‌کار ننشسته‌اند و به جای آن که سنت‌های غلط را در هم بکوبند و شخصیت حقیقی خود را دریابند ناگهان از جای خویش با یک جهش فوق العاده سریع حرکت کرده و درست مثل کسی که در یک پرتگاه مخوف قرار گرفته است و به یک جهش شجاعانه نیازمند است.

ولی با همهٔ تهووری که دارد بدون احتیاط خود را به کام خطر انداخته است. زنان در جامعهٔ اسلامی اغلب وظایف اصلی خود یعنی مادری و پرورش صحیح فرزندان را ندیده گرفته و دچار خبط بزرگ اجتماعی شده‌اند. دیگر ازدواجها با میثاق غلیظ^(۱) و پیمان محکم تحقق نمی‌یابد و در اکثر خانواده‌ها سکون و آرامش دیده نمی‌شود و زندگی زناشویی آنها به صورت معامله تجاری درآمده و به تحمیل عقاید منجر گردیده است.

این معنا روشن و مبرهن است که زنان در عصر ما علاوه بر کار مادری و خانه داری به مشاغل اداری و سیاسی اشتغال داشته و امور اقتصادی و اجتماعی را هم بر عهده گرفته و در نتیجه مسئولیت آنها خطیرتر از سابق شده است و حتی با حریف کهنه کار با سابقهٔ خود نفی مرد نیز برابر می‌نماید.

لکن

این قشر بال و پر گرفته باید بداند که دنیا و قوانین خلقت تابع ارادهٔ ما نیست. و با طبیعت هم نمی‌توان دهن کجی نمود و این کار جز پریشانی و پشیمانی سودی ندارد. سعادت تنها یک راه دارد آن هم هماهنگی با نظام جاودانی خلقت است و تکامل فقط دارای یک فرمول است آن هم هماهنگی با ملکوت این جهات می‌باشد.

و اگر زنی مقام عظیم مادری را که قدیمی‌ترین پدیده‌ایست که با عمر بشر برابری دارد فدای مقام و فعالیت‌های سیاسی آنها در قالب حجاب مدرن و پوشش روز نماید قطعاً به خود لطمه زده و سرانجام خود را به زیر سؤال برده است.

۱- سورة مبارکه نساء آیه ۲۱، «وَأَخْذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا».

مادران به خاطر اطفال خود ناگزیرند از بستاری از تمایلات خود چشم‌پوشی کنند و از برهنگی و بی بند و باری‌ها و شب‌نشینی‌های مفتضحانه دست کشیده و صرف نظر نمایند تا سعادت کودکان خود را تضمین نمایند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهشت سعادت را در زیر قدم مادران می‌داند.

«الجنة تحت أقدام الأمهات»

ناپلئون می‌گوید:

مادران با یک دست گهواره و با دست دیگر دنیا را می‌چینانند.

راستی خواننده محترم این چه حرف غلط و زشتی است که بعضی از غرب‌زدگان می‌گویند:

زن نباید تنها یک ماشین جوجه‌کشی باشد.

اینان به انسانیت خیانت کرده و اهمیت و مقام مادری را به فراموشی سپرده‌اند و نقش پرورش‌انسانهای وارسته را به جوجه‌کشی تعبیر می‌نمایند. چه تعبیر نارسایی!

آنان هدفی جز ارضای غرایز جنسی خود ندارند و می‌بینند که اگر زنان در حجاب شرعی مأثور از پاسداران وحی الهی و ائمه هدی علیهم السلام قرار گرفته و به وظایف دینی خود عمل نمایند، دیگر محیط اختلاط و بی‌قیدی وجود ندارد و کامجویی آنان از بین می‌رود زنان مسترعه هرگز به خود اجازه نمی‌دهند با چهره گشاده و اندام برهنه در معرض دید جوانان قرار گرفته و مردان هوسباز را به دنبال خود کشانیده و در نتیجه از ترس مشتاقان، قرار را بر قرار ترجیح دهند.

مؤلف معتقد است :

که این پرده عفاف و حجاب اسلامی در طول تاریخ به وسیله حماسه آفرینان تقویت و پاسداری شده تا حاکمیت فسق و تباهی از زمین محو گردد.

تلاش این به خون نشستگان و پویندگان راه حق تنها در راه برپایی مکتب و تحقق آرمان‌های اصیل خدایی بوده که این چنین در سینه تاریخ باقی مانده‌اند.

پاک باختگانی همچون آیت الله شهید فضل الله نوری، مدرّس و... که با خون خود شیعه را بارور نموده تا جامعه مسلمین، مکتب را در سرلوحه زندگی خود دانسته و در راه برپایی آن از هیچ تلاشی دریغ نورزند

در انقلاب خونین اسلامی ایران هم، مردان و زنان بالاخص بانوان سلحشور و با ایمان به پیروی از آن شیفتگان حق، عملاً از مکتب الهی حمایت نموده و زمانی که آتش سلاح درخیمان پهلوی سینه پاکشان را درید، با همتی والا و اراده‌ای وصف‌ناپذیر در پوشش عفت به خون غلطیدند و در آستانه شهادت، گوشه چادر خود را به زیر دندان فشردند تا از سنگر عفاف و حجاب اسلامی حراست نمایند.

تذکر مؤلف

کتاب الگوی زن اصیل و آزاد، برای اولین بار در سیال ۱۳۳۶ ه.ش در چاپخانه مهر قم به زیور طبع آراسته گردید.

اما از ناحیه اداره نگارش نامه‌ای به اینجانب در تاریخ ۱۳۳۶ / ۸ / ۱۱ ارسال و مرا جهت توضیحات مطالب کتاب، به تهران دعوت نمودند. با

فاصله چند روز نامه دیگری نیز از اداره نگارش قم به امضای فقیهی در رابطه با کتاب و اداء توضیحات به اینجانب ابلاغ گردید.

در جلسه‌ای که با حضور مهاجرانی مسؤول اداره نگارش تهران داشتیم ایشان با سرسختی کامل به برداشتن صفحاتی از کتاب اصرار می نمودند و از من خواستند برای رفع هر گونه اتهام اقدام به محو پاره‌ای از مسائل حجاب بنمایم و ملکه کشور را به زیر سؤال نبرم.

حقیر با توسل به افراد ذیصلاح آن روز و مرتبطین با مقام مسؤول اداره نگارش توانستم این کتاب را از چاپخانه خارج ساخته و به بازار کتاب عرصه نمایم. اینک با سپری شدن ۳۹ سال از طبع کتاب باید بگویم:

گرچه بسیاری از سال‌ها، ماه‌ها و روزهای عمرم را برای نوشتن این کتاب صرف کرده و تلاش پی گیر نموده‌ام تا نقیصه‌ای در تألیف رخ ندهد ولی یقیناً خالی از اشکال نبوده و نیست.

بنابراین محدود بودن توان علمی و شعاع وجودی خویش را به شفاعت خواسته و از خوانندگان معظم امید تصحیح داشته و چنانچه نگارنده را آگاه سازند سپاسگزار و ممنون خواهم بود.

توجه:

در خاتمه توجه منتقدین بزرگوار را به نکته ذیل جلب می‌نمایم.

انتقاد دارای ابعاد گوناگون است

گاه محض شکستن، گاه محض ثابت کردن تفوق خود و گاه به معنای شکستن، بستن و پیوستن است امید است هرگونه انتقادی از ناحیه دوستان مطرح می‌گردد از قسم سوم باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

متن کامل نامه اداره نگارش برای مذاکره با نویسنده
در باره کتاب (الگوی زن اصیل و آزاد)

شماره ۷۳/۴۲۱

تاریخ ۲۶/۱/۱۱

پیوست



وزارت فرهنگ و هنر

چاپخانه مهرقم

خواهشمند است به آقای محمد تقی

حشمت الواعظین قلمی مولف کتاب "الگوی

زن اصیل و آزاد اطلاع دهید جهت مذاکره

در باره کتاب مذکور در یکی از ساعات اداری به

اداره کل نگارش مراجعه نمایند.

درخشنده زمینی

مدیرکل نگارش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه چاپ هفتم

حقیقتی که به فراموشی سپرده شده

بسیاری از دختران و زنان بارها این سؤال را از خود ویا دیگران کرده اند که جایگاه تمدن در جامعه کجا است؟ نقش زن کدام است؟ ارزش زن در چیست؟ و در رابطه با خانواده و اجتماع چگونه باید باشد؟

چنین به نظر می رسد که دختران و زنان در جهان امروز هنوز نتوانسته اند جایگاه واقعی خود را پیدا کنند ویا هزاران دلهره دست به تجربه های تازه می زنند، سنت شکنی ها می کنند و با مشکلات فراوان کوشش می کنند تا ارزش تازه برای خود کسب نمایند تا حقارتی را که به قدمت تاریخ در جانشان ریشه دوانیده جبران نمایند. اما گویی هنوز به مطلوب خود نرسیده اند، جامه های کهنه وپوسیده را بدور می افکنند اما هنوز جامه ای متناسب برای خود نیافته اند، تو گوئی این مستعمره دیرپا به نفرین خداوندان زور و عقل و لذت گرفتار شده است. زیرا در هر زمانی ودر هر جامعه ای که زور و قلدری اصالت داشت، زن موجودی ضعیف، بینوا، درمانده و مایه خجالت به شمار می رفته است و هر زمان که عقل و حسابگری اصالت می یافت زن بعنوان موجودی ناقص العقل، احساسی و بالاخره موزی به حساب می آمد که حرفش و سخنش و حتی زندگی او پیشزی هم ارزش نداشته و تنها بازیچه هوس های غریزی مرد قرار گرفته است.

در جامعه ای که زور و قلندری و غارت و چپاول، تاج افتخار بر سر بگذارد، زن با آن اندام ظریف و شکننده اش چه ارزشی می تواند داشته باشد؟ و نه تنها بی ارزش بلکه دختر داشتن مایه شرم خانواده می شود.

که فردوسی می گوید:

زنان را ستائی سگان را ستا که یک سگ به از صد زن پارسا

در تاریخ ایران که او را (تاریخ مذکر) گویند به این دلیل است که زن هیچ نقشی در آن نداشته است.

بعضی می نویسند: در نظر بسیاری از مسلمانان به ظاهر مؤمن، زنان فقط برای خانه داری و تولید مثل آفریده شده اند چنانچه قرآن می گوید ﴿نساءکم حرث لکم﴾: نساء شما کشت شما هستید. کلمه (نساء) اسم جمع و مؤنث لفظی حقیقی است که این لفظ به زنان اطلاق می شود.

(زن) در زبان عرب به صورت مفرد و یا لفظ (امراه) نامیده می شود اما وقتی که صحبت از نوع زن و جامعه زنان است از لفظ (نساء) استفاده می شود.

وجه تسمیه نساء

این موضوع قابل تأمل است که معمولاً بسیاری از اسم ها رابطه ای مستقیم یا غیر مستقیم با مسمای خود دارد زیرا هر اسمی بیان کننده حد و مرز و خصوصیات صاحب آن اسم می باشد.

علاوه بر واژه (نساء) لفظ دیگری هم هست که از همان خانواده است و به همین معنا در مصحف شریف آسمانی به کار رفته است و آن لفظ (نسوة) می باشد

که تنها ۲ بار در قرآن آمده است :

۱- در آیه ۳۰ سوره مبارکه یوسف، آنجا که می فرماید :

﴿وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾

ترجمه : گروهی از زنان شهر گفتند که همسر عزیز مصر غلامش را به سوی خود دعوت می کند و عشق آن جوان در اعماق قلبش نفوذ کرده است، اما ما او را در گمراهی آشکار می بینیم.

۲- آیه ۵۰ سوره مبارکه یوسف، آنجا که می فرماید :

﴿وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَاَسْأَلْهُ مَا بِالْنِسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ﴾

ترجمه : ملک گفت یوسف را نزد من بیاورید، هنگامی که فرستاده ملک به نزد یوسف در حبس آمد یوسف گفت از زندان خارج نمی شوم تا آنکه بسوی صاحبیت برگردی و از او پرسی ماجرای زنانی که در قصر عزیز مصر دشتهای خود را بریدند چه بوده است ؟

گذری کوتاه بر ماده اصلی و ریشه (نساء)، قدمی خواهد بود برای پیدا کردن وجه تسمیه لفظ نساء.

همانگونه که گذشت (نساء) از نظر حرفی اسم جمع مؤنث لفظی می باشد و چون به زنان اطلاق می شود مؤنث حقیقی است.

اصل این لفظ از (نسی) گرفته شده چنانچه کتاب شریف منجم البحرین و کتاب ارزشمند لسان العرب نیز صراحتاً می گویند : واژه (نساء) از مشتقات (نسی) می باشد و (نسی) یعنی فراموش کردن که گاه از روی بی اعتنایی و غفلت است و گاه

از روی عمد.

«النسيان ترك الانسان ضبطاً ما استودع إماماً لضعف قلبه وإماماً عن غفلة».

مفردات راغب واژه (نسی) را به معنای تأخیر وقت می‌داند. یعنی آنچه که نقد نباشد و وعده ادای آن به زمان بعد موکول باشد (نسیه) می‌گویند.

اکنون واژه (نساء) را هم که از همان لفظ (نسی) مشتق شده است می‌توان با توجه به جایگاه صرفی آن چنین معنا کرد:

(نساء) یعنی آنچه از یاد رفته و یا به تأخیر افتاده است.

آیا زنان در جوامع بشری از یاد رفته هستند؟ و یا موجوداتی عقب افتاده می‌باشند که باید متروک جامعه بشوند؟ و آیا دلیل نامگذاری (نساء) بر زنان به سبب همین موارد مذکور نیست؟!

تشیع صفوی و تسنن اموی

ظاهر آچنین به نظر می‌رسد که بسیاری از کسانی که هنوز تصور می‌کنند در عصر خواجه نظام الملک ها زندگی می‌کنند و یا در فضای تشیع صفوی و تسنن اموی نفس می‌کشند با این جواب موافق هستند و صد ها روایت و دلیل و برهان می‌آورند که زن از نظر عقلی عقب مانده است و باید از صحنه اجتماع به پستوی خانه ها نقل مکان کند و تنها ارزش آن در این است که از مرد آستن شود و نطفه را در رحم خویش پرورش دهد و بچه اش را به دنیا بیاورد و باز مجدداً آماده پرورش نطفه ای دیگر بشود، به قول خواجه نظام الملک در سیاستنامه فصل چهارم:

غرض از زنان گوهر نسل است.

و عجیب تر اینکه گروه بسیاری از زنان و دختران هم این تفکر غلط را

پذیرفته اند و اقرار می نمایند که ناقص العقل هستند.

و گروه دیگر از زنان نیز بر آشفته و معترض بر این طرز تفکر بوده پندار غلط را محکوم می کنند و گاهی با عصیانگری در جهت تثبیت افکار خود به کارهایی دست می زنند که زبیده آنان نیست.

ولی اگر بیشتر دقت شود دو معنای (فراموشی) و (تاخیر) را یکجا و با هم در نظر بگیریم شاید به نتایج تازه تری برسیم و ببینیم که زن از چه نظر از یاد رفته است و کدام ارزش در زن وجود دارد که جامعه بشری اعم از زن و مرد آن را به فراموشی سپرده اند؟

برای ورود به این مسئله ناگزیر هستیم که ابتدا اشاره ای داشته باشیم به جایگاه اصلی و طبیعی زن به گونه ای که قرآن بیان می کند:

﴿نَسَائِكُمْ حَرْثُ لَكُمْ﴾^(۱)

«زنان شما مرکز بذر افشانی شما هستند، شما هر زمان که بخواهید می توانید با آنان آمیزش نمائید ولی سعی کنید که از این فرصت طلایی بهره برده و با پرورش فرزندان صالح اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید.»

خداوند در این آیه ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی بیان کرده است تا مبادا بعضی ها زنان را یک وسیله اطفای شهوت تلقی نمایند و بدانند که وجود زن وسیله ای است برای حفظ حیات نوع بشر.

(حَرْث) مصدر است و به معنای بذر افشانی است و گاهی به معنای مزرعه نیز گفته می شود.

اما (حَرْث) را بیشتر به معنای محل کشت گرفته اند و اگر تنها به ظاهر این معنا

اکتفا کنیم زنان عبارتند از حمل کشت و یا کشتزار، بعبارت دیگر: اصلی ترین و مهم ترین کار زن قبل از هر کاری دیگر، مادر شدن است که در همه ادوار تاریخ و در همه جوامع اعم از عقب افتاده و یا متمدن در این امر مشترک اند و می بینیم که این مورد نه تنها فراموش نشده و از یاد رفته نیست بلکه چیزی است که همه آن را می دانند حتی ابتدایی ترین جوامع بشری هم به روشنی می دانند و می بینند که سهم ترین کار زن، مادر شدن است، پس در این میان چه چیزی هست که از یاد رفته؟

قرآن شریف^(۱) هم تکلیف چندانی برای زن معین نمی کند و تنها تذکر می دهد که زن ۲ سال تمام بچه اش را شیر دهد آنهم نه به اجبار بلکه اگر توانست و در وسع و توان و قدرت او بود.

از طرف دیگر می بینیم که وظیفه خاصی هم برای زن در خصوص تربیت بچه اش تعیین نشده است که از آن استفاده شود که زن می تواند مربی اصلی بچه اش در تمام جهات و زوایای تربیتی باشد که متأسفانه بعضی تصور می کنند نبودن چنین دستورات تربیتی در قرآن عیب است و لذا به نوشتن کتابهای تربیتی در مورد کودکان همت می گمارند که شاید به این نقص قرآن پوشش دهند! و به زعم خودشان جبران نمایند! در صورتی که یکی از بزرگترین مسائلی که از قدیم در بین جوامع پیشرفته مطرح بوده موضوع تربیت خردسالان است و این یک امر بدیهی و واضح است که مولود انسانی غیر از گیاهان و جانوران است که احتیاج به تعلّم و تربیت نداشته باشد. فرزند آدمی چقدر قند نیست که بذر آن را در محل کشت

(۱) «والوالدات برضعن اولادهن حولین کاملین» سورة بقره، آیه ۲۳۳ لایخفی: «والده» در لغت عرب به (مادر) گفته می شود، ولی (أم) معنای وسیعتری دارد، گاهی به (مادر) و یا (مادر مادر) و گاهی به (ریشه و اساس هر چیزی) اطلاق می شود. «تفسیر نمونه، جلد ۲».

پاشند و تنها یا فراهم آوردن زمینه های مادی اش ثمره شیرین و مطلوب برداشت نمایند، به عبارت دیگر وقتی که صحبت از کشتزار به میان می آید ذهن انسان تنها متوجه قضایا و موضوعاتی می شود که معمولاً دارای نمودهای مادی است و هرگز توقع مسائل معنوی و تربیتی از آن نمی رود و شاید به همین لحاظ بوده که زنان در رابطه با آیه مذکور موجوداتی به حساب آمده اند که تنها مولّد و زایشگر اندام می باشند بی آنکه دخل و تصرف چندانی در امور فرهنگی و فکری و روانی کودک داشته باشند. باز به همین دلیل بوده است که زنان به صورت کالائی درآمده بودند که حتی خرید و فروش می شدند و هنوز هم مورد بیع قرار می گیرند.

هنوز این طرز تفکر وجود دارد که مردان خود را صاحب پدر می دانند و همسر خود را محل کشت آن زنان نیز تنها باروری و ریشه مادی این پدر را به عهده دارند.

گذری کوتاه

آیه ای که از سوره بقره نقل شد غلط بودن این طرز تفکر را آشکار می سازد مخصوصاً اگر واژه (حرث) را در آیات دیگر قرآن مورد بررسی قرار دهیم می بینیم که (حرث) به معنای کشت است اما دارای ۲ بعد مادی و معنوی می باشد، یعنی زن علاوه بر آنکه زایشگر جسم کودک است، شکل دهنده عقاید و آداب کودک نیز می باشد و قرآن هم واژه (حرث) را در هر دو بعد آن به کار می گیرد:

قرآن در سوره شورا آیه ۱۹ می فرماید:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾

هذه القرية: «کشتی که زراعت آخرت را بخواهد به او برکت می دهیم و بر محضولش می افزاییم و آنها که فقط کشت دنیا را می طلبند به آنها می دهیم اما در آخرت هیچ نصیبی را ندارند».

بنابراین واژه (حرث) در این آیه مبارکه به معنای کشت مادی و ظاهری نیست بلکه همه اعمال و حرکات و جهت گیری های انسان که قطعاً دارای واکنش های دراز مدت و یا کوتاه مدت می باشد به عنوان (حرث) مطرح شده است.

نکته جالب آنکه کودکان قبل از آنکه به پندها و نصیحت های والدین توجه کنند از اعمال و زندگی آنها تقلید می نمایند.

به عبارت دیگر کودکان در طلب الگو هستند و برای حل مشکلات خود و نیز برای تداوم زندگی خود بزرگترها را برای خود الگو قرار می دهند و شاکله خود را می سازند. (شاکله) عبارتست از همه آن چیزهایی که به انسان بجهت از نظر مادی

و چه روانی و معنوی جهت داده می شود و شکل می دهد.

همه عملکرد آدمی بر اساس همین شاکله است چنانچه قرآن در سوره اسراء آیه ۸۴ می فرماید:

﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلِهِ﴾

در این آیه رؤی سخن با پیامبر ﷺ است که بگو: هر کس بر طبق خلق و خوی خود عمل می کند.^(۱)

از آنجا که روحيات و سجایا و عادات هر انسانی او را مقید به رویه ای ویژه خود او می کند به آن (شاکله) می گویند.

کتاب ارزشمند مجمع البیان برای (شاکله) ذو معنا قائل است و کلمه

(۱) (شاکله) در اصل از ماده (شکل) و به معنای مهار کردن حیوان است.

مسئله این نیست که اگر (عیسی) علیه السلام پدر نداشت پس چگونه نطفه (عیسی)

بسته می شود بلکه حرف پر سر این است که پدری بالای سر (عیسی) نبوده که

بخواهد تأثیر علمی و قالبی در روح و اندیشه (عیسی) به جای بگذارد و جالب تر

اینکه عیسی مسیح علیه السلام مانند سایر معاصران بطور مستقل مطرح نمی شود و جدای

از (مریم) از او یاد نمی گردد و همیشه او را به عنوان عیسی بن مریم علیه السلام یاد

می نمایند.

(عیسی) (کلمه) است که توسط (مریم) آشکار شده و مریم زایشگر آن

می باشد.

پس زن تنها زایشگر جسم فرزند خویش نیست بلکه آفرینشگر و شکل دهنده

عظیم ترین ارزشها در فرزند خودش می باشد.

و آیا ارزشی فراتر و بالاتر از این ایشارگری می توان یافت آنهم ایشاری بدون

توقع پاداش، که این کار زنان بعد از خوف خدا است و نه ترس از آخرت و نه به

مصلحت روز و نه بسودای سود و نه بخاطر خوش آمد شوهر.

اما مردانی که عاقلانه می اندیشند و حساب سود و زیان را می کنند این روش

را نمی پسندند و دوستی خود را با دیگران کاسب کارانه و با تراز و سنگ مثقال اندازه

می گیرند و چنین است که سود را جانشین ارزش می نمایند.

عقلا نقد را به نسیه ترجیح می دهند اما ارزشی را که مادرانه فرزندش

می بخشد بازده اش ۲۰ سال و یا ۳۰ سال بعد بروز نمی کند آنهم نه برای مادر بلکه

برای خلق (عالم).

اینگونه نسیه کاری است که به نسیان گرفتار شده می شود. آری چنین است

که اصلی ترین ارزش زن که هویت او را تشکیل می دهد و جایگاهش را مشخص

می سازد از یادها رفته و فراموش شده است.

مؤلف معتقد است که این کلمه (نساء) در تمامی ابعاد ارزشی در جامعه از یاد رفته و در مقابل آن، کلمه (مذکر) همیشه در یاد مانده است.

بارزترین مصداق ارزش زن حفظ حجاب کامل اوست، که مع الاسف به فراموشی سپرده شده است و گاهی هم به عنوان یک سوال از بعض فقها پرسش می شود! و تنها پاسخی که مردم می شنوند آنست که وجه و کفین زن مستثنای باشد و گاهی هم به بیان صاحب عروه استناد می نمایند و وجه و کفین زن را از نظر پوشش اسلامی استثناء می نمایند ولی هرگز اقوال کسانی که قائل به عدم استثناء هستند و یا فقهای بزرگوارى که در این مسأله احتیاط لازم را نموده اند متذکر نمی شوند.

و بعضی از نویسندگان و قلم به دستان نیز چنان در مورد وجه و کفین قلم فرسایی می کنند که گویی شارع مقدس باز نمودن چهره زنان را لازم می داند. دنیا بداند که زنان از نظر اسلام عورت شناخته شده و لذا باید تمامی بدن خود را مستور نمایند و نیز حجم بدن را هم بپوشانند.

لذا حضرت آیت الله العظمی مدنی تبریزی در کتاب نکاح خود چه زیبا می فرماید:

«وَأَمَّا مَعَ التَّلَذُّذِ وَالرِّبَةِ فَيَجِبُ سِتْرُ الْوَجْهِ وَالْكَفَّيْنِ بِإِخْلَافٍ وَبِلَا إِشْكَالٍ» (۱)

نگارنده گوید:

واژه (نساء) در روایات معصومین «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ»

پیامبر اکرم اسلام ﷺ می فرماید:

«إِنَّمَا النِّسَاءُ عِيٌّ وَعِبُورَةٌ فَاسْتَبْرُوا الْعِبُورَةَ بِالْبَيْتِ وَاسْتَبْرُوا الْعِيَّ

(۱) منهاج الاحکام، ص ۸۹ تألیف آیت الله العظمی حاج سید یوسف مدنی تبریزی دام عزه.

بالسکوت»^(۱) ...

مفهوم زیبای بیان رسول الله ﷺ در این حدیث شریف در مورد زنان آن است که هم تارهای صوتی این قشر مؤنث عورت شناخته شده و هم حجم وجودی آنان عورت نامیده می شود، بنابراین شارع مقدس امر به پوشش کامل می نماید که تارهای صوتی آنان با سکوت پوشیده شود (وستر العی بالسکوت) و اسکلت رعناي آنان هم در بیوت نگهداری شود (فاستر العورة بالبیوت) تا چشم هوسبازان به آنان طمع ننماید و خطری دامگیرشان نگردد.

البته در بعضی از روایات که از طریق عامه نقل شده است لفظ «جسد المرأة عورة» به چشم می خورد ولی ظاهراً فرقی بین لفظ (جسد المرأة) و کلمه «النساء» ندارد.

آنچه مسلم و قطعی است آنست که فریقین (عامه و خاصه) زن را عورت می دانند با همه ابعاد و نسبت به تمامی اعضاء آن حتی چهره زن.

زیرا روایت بطور مطلق وارد شده و مقید به قیود نیست بنابراین هرگز قابل انکار و تشکیک نمی باشد لفظ (عورت) به فتح عین و زاء از نظر لغت عبارتست از چیزی که انسان از ظاهر شدن آن حیا می کند و لذا در روایت آمده که زن باید در خانه مستور گردد زیرا عورت است.^(۲)

(۱) کتاب وسائل، باب ۲۴ از ابواب مقدمات نکاح و باب ۸۸، و به همین مضمون روایاتی در کتاب شریف جعفریات و کتاب المجالس والاخبار از زنان به عنوان (عورت) یاد شده است.

(۲) لایخفی که مستور بودن زنان در بیوت به معنای زندانی شدن آنها نیست بلکه به این معنا است که زنان باید در معرض دید بیگانگان و هوسبازان قرار نگیرند چه به صورت ماندن در خانه ها و چه به صورت پوشش از طریق لباس و حجاب کامل اسلامی. بنابراین ملاحظه استار و اختفاء است. «مؤلف»

مقدمه چاپ هفتم..... ۷۷

خواهید گفت تحقق این معنا در جامعه امروز محال به نظر می رسد و هرگز قابل قبول نیست زیرا تنها به پاره ای از اعضاء بدن زن عورت تلقی می گردد و نه تمامی اعضاء پیکر زن. در پاسخ باید بگویم که این لاقیدی بر اثر طبع ثانی و معلول غادت و در یک کلام از دست دادن سلامت فطرت می باشد.

ما معتقدیم که انکشاف چهره خلاف فطرت سلیم و خلاف روایات مأثوره از اهل البیت علیهم السلام می باشد، آن هم روایاتی که علاوه بر عامه، مشایخ عظام خاصه نیز مانند محمدین ثلاث، (کلینی، صدوق و شیخ الطائفه علامه طوسی رحمهم الله) از معصومین «سلام الله علیهم اجمعین» نقل نموده اند که بزرگوارانی همچون امام راحل (بنابر نقل ثقات) مراسلات آنان را معتبر می دانست، تا چه رسد به روایاتی که به طور مستند از منابع وحی اخذ و بیان گردیده است.

پرسش مؤلف از محققین و متبعین
چرا اسلام از نشستن مردان در جایی که زن در آنجا نشسته است نهی نموده است، با آنکه نه جماع تلقی می شود و نه تقبیل و نه مس و نه غیر آن؟ وسایل الشیعه (باب ۱۲۵، حدیث ۱۶).

چرا اسلام از ورود مردان اجنبی که بدون اذن اولیاء زن بر زنان وارد می شوند نهی نموده است؟ «وسائل»، حدیث ۱۷ باب ۱۱۸.
چرا در ایام حج زنان باید با همان لباس خود محرم شوند و نه مانند مردان که با ازار و رداء محرم می شوند؟

چرا در میقات، جهر در تلبیه برای مردان مطلوب است و لکن نسبت به زنان مطلوبیت ندارد؟ «وسائل»، حدیث ۱۹، باب ۳۸.

چرا اسلام از سکنای زنان در غرفه ها و بالاحیانه ها منع نموده؟ «وسائل،

حدیث ۳ و باب ۹۲»

چرا اسلام از تعلیم سوره یوسف به زنان نهی کرده است؟ «ماخذ فوق الذکر»:

چرا اسلام به زنان اجازه نمی دهد که در برابر زنان یهودیه و نصرانیه بدون

حجاب اسلامی ظاهر گردد؟ «وسائل، باب ۹۸، ح ۷»

چرا اسلام به زنان اجازه نمی دهد که با غیر شوهر و نامحرم بیش از ۵ کلمه

سخن بگویند؟ «وسائل، باب ۱۰۶، ح ۹»

چرا اسلام از متضافحه «به ضم میم و فتح فاء» (دست دادن و زبوسنی

کردن) مردان با زنان نامحرم منع نموده است؟ «وسائل، باب ۱۱۵، ح ۱۰»

چرا و هزاران چرا....

مبنای این احادیث مذکور تماماً بر این محور دور می زند که شهوتها کنترل

شده و نفسهای آتشین مغلوب شود و تعفف زنان تضمین گردد و در حقیقت خواسته

شرع مبین اسلام حراست و حفاظت از این قشر مظلوم تاریخ است و مردان موظفند

که از حریم زنان پاسداری نمایند، تا دامن عفتشان به دشت هوسبازان آلوده نشود

و انحطاط و انحراف در کشور وجودشان رخنه ننماید.

تأکید مؤکد اسلام به جهت آن است که جامعه اسلامی با پیروی از احادیث

نبوی و وکوی بتواند اذهان مشوب زنان را پاک و از اثرات نامطلوب و مخرب بیگانه

جلوگیری نمایند.

ما معتقدیم که مستثنا نبودن وجه و کفین نیز بر همین اساس و منحور اساسی

.....

(۱) لطفاً جهت پیگیری این بحث به کتاب ارزنده دین و زن به قلم آیت الله حاج شیخ محمد تقی

صدیقین که در ۸۱ صفحه به چاپ رسیده مراجعه فرمایید.

استوار است و از جمله مصادیق بارز حراست از حریم زن تلقی می گردد و مردان باید حراست از کیان و شخصیت زن و حفاظت از مرز و حدود و حریم این جنس لطیف را بر عهده بگیرند، لذا فقهای فحول نیز علاوه بر ستر^(۱) وجود ستر را هم لازم می دانند و مؤکداً می خواهند که علاوه بر مستور بودن زنان، باید فراز و نشیب و حجم وجودی آنان هم در قالب پوشش کامل اسلامی و اجرایی بیان آیه جلاباب رعایت گردد تا در نتیجه آن طهارت و یاکنی دامن زنان مضمون بماند.

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

حاج سید محمد تقی حشمت الواعظین طباطبائی قمی

جمادی الاولى ۱۴۲۰ من الهجرة النبوية

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

و النسلام علی من اتبع الثقلین القرآن والعتره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَبِهِ نَسْتَعِينُ

قال الله تعالى في القرآن الكريم:

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ﴾ (۱)

یکی از مسائل پر سر و صدای دنیای امروز مسئلهٔ رهایی زن از قید حجاب اسلامی است و به قول بعضی از افراد انقلابی، عصر رهایی زن از قید بندگی و برخورداری از موهبت آزادی می‌باشد. (۲) این هیجان شگفت‌انگیز و غوغای عجیبی که در فضای بی‌کران، طنین انداخته، حقوق زن و تساوی آن با مرد نام گرفته، و مدام در سخنرانی‌ها مردان و زنان تب دار، با بیان تند و صریح می‌گویند دیگر زنان پشت سر گذارده شده و طبقهٔ نسوان به حقوق مسلم اجتماعی خویش رسیده‌اند. و از تساوی حقوق برخوردار شده‌اند غافل از آنکه تساوی حقوق غیر از تشابه حقوق است.

مخصوصاً دختران که به طور آسان تاج پرافتخار آزادی و استقلال را بر سر نهاده‌اند.

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۶۳.

۲- البته واژهٔ آزادی تحریف گشته و از مفهوم واقعیش تهی و اصالت خویش را از دست داده است، زیرا در کتب لغت پردازان می‌بینیم که آزادی را به معنی رهایی از قید تمامی سنت‌ها و ارزش‌های عالی انسانی می‌دانند. و کلمهٔ اسارت به معنی عقب ماندگی از قافلهٔ تمدن مادی و پای بند بودن به مذهب و اصول اخلاقی می‌باشد.

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه چاپ اول
۱۳	مقدمه چاپ دوم
۱۷	مقدمه چاپ سوم
۱۸	مجددین آئین پاک اسلام راستین
۱۸	مجددین از لسان خاتم رسل
۲۳	جانشینان دلباخته معصومین
۲۴	ولی افسوس که استبداد وابسته
۳۱	مقدمه چاپ چهارم
۳۷	مقدمه چاپ پنجم
۴۶	قیامی مردانه و مدبرانه
۴۷	توصیه مؤلف
۴۸	حادثه تلخ
۵۰	وجه و کفین یک مسئله اختلافی است
۵۶	هشدار مؤلف

۵۷	 مقدمه چاپ ششم
۵۸	 جلیاب و قرن بیستم
۶۱	 تذکر مؤلف
۶۳	 متن نامه اداره نگارش طاغوت به نگارنده
۵۷	 مقدمه چاپ هفتم
۶۲	 مسئله پر سر و صدا
۸۲	 مقام زن قبل از اسلام در ایران
۸۳	 از دواج با محارم
۸۶	 زن در دایره استعمار
۸۹	 خفت زن در قالب نیایش
۹۰	 مقام زن قبل از اسلام در یونان
۹۳	 مقام زن قبل از اسلام در چین
۹۳	 مقام زن قبل از اسلام در هند
۹۳	 مقام زن قبل از اسلام در مصر
۹۳	 مقام زن قبل از اسلام در روم
۹۵	 در فرانسه
۹۵	 زنان در اروپا
۹۶	 مقام زن قبل از اسلام در جزیره العرب
۱۰۲	 سخنی از افلاطون
۱۰۴	 معتقدات امم و ملل جهان
۱۰۵	 اثر شریعت منسوب به موسی
۱۱۲	 در فرقه اسماعیلی مذهبها
۱۱۳	 در مالابار واقع در هندوستان رسم عجیبی را معتقدند

۵۹۹	فهرست مطالب
۱۱۳	در جزایر پولیزی در اقیانوس کبیر
۱۱۳	در آفریقا
۱۱۵	در آتن پایتخت یونان
۱۱۵	در انگلستان
۱۱۵	آشوری ها
۱۱۵	زن از دیدگاه مؤلف کتاب ابتکار النظام
۱۱۶	اشک زن
۱۱۷	مؤلف گوید
۱۱۹	طلوع خورشید اسلام
۱۲۰	زخمات پیامبر ﷺ از دیدگاه رجال علمی جهان
۱۲۳	ای جامعه زنان
۱۲۴	پیشاهنگ افسار گسیختگی ها
۱۲۷	ولی افسوس
۱۳۰	بحث بر سر حجاب در محافل دولتی آلمان بالا گرفت
۱۳۱	بزرگترین تظاهرات در تاریخ ترکیه
۱۳۳	مؤلف گوید
۱۳۴	حجاب چهره یا حجاب اندام
۱۳۸	واژه حجاب
۱۴۲	حجاب در اسلام
۱۴۷	حجاب مانع تحقق زناست
۱۴۸	وجوب حجاب چهره از دیدگاه آیات کریمه قرآنی
۱۵۲	سخن یاوه تا کی و تا چند

- ۱۵۳ مکالمه یزید علیه اللعنه با حضرت سکینه بنت الحسین علیها السلام
- ۱۵۵ ورود (هنده) ملکه کشور در مجمع رسمی یزید
- ۱۶۲ نکات آیه
- ۱۶۷ ولیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ
- ۱۷۰ ادله قائلین به نظر و جواز انکشاف چهره
- ۱۷۱ دیدگاه آیه الله محمد هادی حائری خراسانی
- ۱۷۶ نظر به وجه و کفین زن اجنبیه حرام است، مطلقاً؟!
- ۱۷۹ استثنا در مناسک حج
- ۱۸۰ فلسفه حکم
- ۱۸۱ نگاه به صورت زنان بی پروا
- ۱۸۳ پوشش زن در اطاق در بسته چرا؟
- ۱۸۷ حکم سیره عملی در بین فقهاء
- ۱۸۸ اسلام دین دانش، دین فلسفه و دین عقل است
- ۱۸۹ برابری و تساوی در کردار
- ۱۹۳ واژه فریضه
- ۱۹۴ بیان علم معهود
- ۱۹۵ بیان معصوم
- ۱۹۶ هدف مکتب حق
- ۱۹۸ سخنان فیلسوفان مغرب زمین
- ۲۰۰ برابری و تساوی حقوق در اجتماع
- ۲۰۲ حقوق ویژه زنان
- ۲۰۵ پوشش یا زنجیر!

۶۰۱	فهرست مطالب
۲۰۶	آه، چه تصوّر بی جایی و چه اشتباه عمیقی
۲۰۸	خلقت و فطرت زن
۲۱۰	بیان فشرده ای از علم فیزیولوژی در خلقت زنان
۲۱۳	پایمال نمودن وظیفه مادری
۲۱۴	دکتر الکسیس کارل
۲۱۸	شما ای حامیان جنس زن
۲۱۹	زهی بی توجهی
۲۲۱	سرمشقی ارزنده از اسلام
۲۲۲	نواى موسيقى از دیدگاه مرحوم آیه الله حائری
۲۲۹	چرا دستور حجاب اختصاص به زنان پیدا کرده است؟
۲۳۱	رونق کلاه گیس در ترکیه
۲۳۲	مؤلف گوید
۲۳۳	مظلومیت فقه جعفری
۲۳۶	باور دینی - داور دینی
۲۳۷	گره در جای دیگر است
۲۳۸	زنان مسلمان ایران، چادر را اختیار کرده اند
۲۴۳	شهادت تاریخ
۲۴۴	کفن سیاه
۲۴۶	زنان متعهد صدر اسلام
۲۵۱	نحوه ستر وجوه نسوان
۲۴۹	طریقه حجاب صورت
۲۵۰	انتقاد و اظهار تأثر امام خمینی

- فرمان مسخره کشف حجاب ۲۵۱
- معدل زیبایی زن در برابر برهنگی رو به کاهش است ۲۵۳
- حجاب مدرن ۲۵۶
- پانسخ به شبهه ۲۵۷
- حجاب یک مسئله سستی و تاریخی است ۲۵۹
- پوشش و بودن زن در خانه اسارت نیست ۲۶۱
- شما ای خواننده منصف ۲۶۹
- خروج زن از خانه شوهر ۲۷۰
- اشتغال زنان در خارج از خانه ۲۷۴
- الغای نظام خانواده ، اولین طرح خیانت مارکس ! ۲۷۹
- آخرین سخن از دیدگاه یک دوشیزه ۲۸۲
- اشتغال زن در خانه از دیدگاه رجال علمی و نوابغ جهان ۲۸۷
- شغل بچه داری برای زنان شریفترین شغل است در عالم ۲۸۹
- نظام اسلام راستین از دیدگاه مؤلف ۳۰۷
- چرا پیامبر ﷺ زنان متعددی اختیار کرده است ؟ ۳۰۲
- فلسفه تعدد زوجات پیامبر ﷺ ۳۳۰
- گواه تاریخ ۳۳۰
- مؤلف گوید ۳۳۲
- نقش اسلام در بالا بردن شخصیت زن ۳۳۳
- الگوی از یک زن اصيل و آزاد ۳۳۶
- علت واگذاری فدك ۳۵۳
- پیک سرگشاده ۳۶۱

۶۰۳	فهرست مطالب
۳۶۴	نمونه پایداری در عفاف از یک زن اصیل و آزاد
۳۶۷	گفتگوی مستدل زنی اصیل و آزاد با (ابن جوزی)
۳۶۹	حقوق زوجین از آغاز تشکیل سامان
۳۸۸	وظیفه شرعی زوج نسبت به پرداخت بهای شیر
۳۹۰	سفارش مقام نبوت خاتم صلی الله علیه و آله
۴۱۰	مشاغل زن در اجتماع
۴۱۹	نصایحی چند به نوعروسان
۴۳۱	وضع زنان لا قید
۴۳۸	هشدار به مادران سیگاری
۴۴۴	پیام مؤلف به دوشیزگان و بانوان اسلامی
۴۴۵	نصایح حکیم قرن ششم میلادی به زنان
۴۴۶	توصیه های مادران به دختران قبل از زفاف، در ژاپن
۴۴۸	آراء مراجع تقلید شیعه
۵۲۸	سوابق مبارزاتی، شجره نامه، اجازات امور حسیه وروائی مؤلف
۵۸۹	فهرست منابع و مدارك
۵۹۷	فهرست مطالب